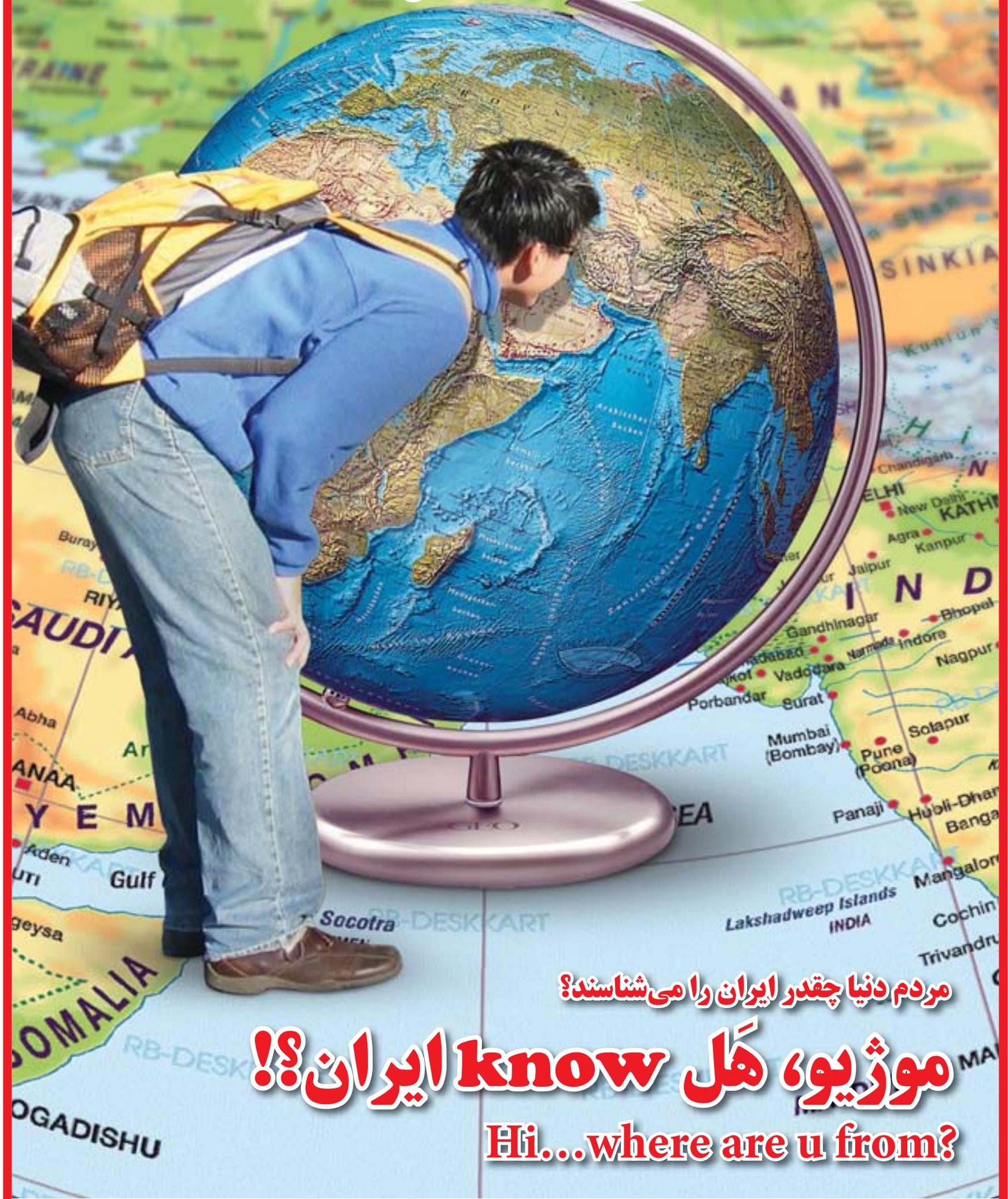


به بهانه روز قدس؛ محک جدی مسلمانی ما
فلسطین به ما بربطی دارد؟

به منایت روز سینما؛ اندر باب سینماهای شهرمان
خانه از پای بست ویران است



مردم دنیا چقدر ایران را می‌شناسند؟

موزیو، هل know ایران؟!

Hi...where are u from?

فرهنگ ایرانی، ناشناختهای جهانی

● در همین شماره چیم نگاه کوچولویی به صفحات ۸ و ۹ بندازید، پر شده از نظرات متعدد مردم کشورهای خارجی در مورد کشور عزیزان ایران! مشهود است که ایران در بین کشورهای اسلامی از محبوبیت استثنایی برخوردار است و روز به روز به این محبوبیت اضافه می‌شود. البته تا قبل از وقایع اخیر، که حتی نظر سنجی‌های موسسات آمریکایی نیز بر این امر صحنه می‌گذارد واقعیت این است که این اتفاق در کشورهای غربی وضعیت متفاوتی دارد؛ متأسفانه نظرات آن‌ها چندان با واقعیت سنتی ندارد. همه ما کشورمان و مردمش را می‌شناسیم و نظر مشت زیادی از فرهنگ‌ها در ملت‌های دیگر و قرقی درباره کشورمان اظهار نظر می‌کنند. دیدگاه‌شان از نظر ما چندان معقول و موجہ نیست؟

● خب یک بحث اساسی و کمی تکراری وجود دارد، این که رسانه‌های بیگانه به خاطر مطامع سیاسی‌شان در معرفی کشور ما و نقاط ضعف و قویش بی‌طرف عمل نمی‌کنند. مثلاً پرتاپ یک ماهواره را یا با کوچک‌نمایی در حد ترکیدن یک ترقه منعکس یا با بسیاره نمایی در جهت اهداف ضدبشری و جاسوسی معرفی می‌کنند. اما از بحث رسانه‌های خارجی و کم کاری رسانه‌های داخلی در جنگ با آن‌ها که بگذرید (که الحق اصلی ترین علت نگاه خاص دنیا به کشور ماست) عواملی دیگری هم در این ماجرا دخیل هستند، اول از همه رفتار ایرانی‌ها که در دید هستند مثل سیاستمداران، هترمندان، وزرایکاران و در مرحله بعد ایرانی‌ها که به کشورهای دیگر سفر می‌کنند یا خارج از کشور زندگی می‌کنند. متأسفانه چندی قبیل خبری درباره دستگیری یک زوج ایرانی در فروندگاه یکی از کشورهای خارجی آن‌هم در حالتی نامناسب و زنده منتشر شد. بیگانه‌ای را تصور کنید که اولین باری که نام مقدس ایران به گوشش رسیده با چنین صحنه رنده و عجیبی مواجه شده است.

● و نکته مهم این که فرصت معرفی ایران تها با ساختن فیلم و سریال، یا اخبار و جنگ رسانه‌ای فراهم نمی‌شود، گاهی یک سفر شیرین هم می‌تواند نگاه یک خارجی را نسبت به میهن مان شکل دهد و تمام بیمارانهای مغرضان را از ذهنش خارج کند. هنوز هم توجه به جذب و سرویس‌دهی صنعت جهانگردی در کشور ما به رغم بضاعت بالا جدی گرفته نمی‌شود.

● از طرفی لازم نیست حتماً ارزش‌های مان را فراموش کنیم تا بتوانیم نگاه دنیا را عرض کیم و دیگران به ما بخندند و بهم و چه‌چه کنند، بلکه با حفظ ارزش‌های که می‌توان نگاه دنیا را سبب به ایران و ایرانی و فرهنگ چند هزارساله‌اش تغییر داد. اگر ریشه‌های محبوبیت خود در بین کشورهای اسلامی را برسی کنیم می‌باییم دلیل آن پاشاری بر اصولی است که امام(ره) تعیین کرده‌اند. بدانیم و حد البته در این راه فراموش نکنیم با شماری بر اصول به معنای صحبت کردن با ادبیات غیر قابل فهم برای جهانیان نیست.

روزمره آنلاین

[متناصر و نژاد]

دوباره نود...

این نود خاصیت‌هایی دارد که اگر از یک متخصص قلب و عروق پرسید می‌گویند از آن پرهیز کنید که برای سلامتی به شدت مضر است! این نود می‌تواند پر باشد از استرس و نگرانی که تیجه چه شود! یا این که پر باشد از امید و شادی، و یا مثل برنامه نود برای بعضی‌ها ترسناک و حشمت‌آور باشد! اگر چه این نودی بودن گاهی کار دستمنان می‌دهد به خصوص وقت قناری ساکت می‌شود. کارگران از سکوت قناری متوجه می‌شوند خطری درشرف و قوع است و فوراً معدن را ترک می‌کردن. «نه گات» نظریه‌ای دارد به نام «قناری درمعدن». او معتقد است که بعضی‌ها می‌توانند مانند یک حسگر قوی بحران‌های جامعه را خیلی سریع تشخیص بدند. نوشه شده در وبلاگ «دفترچه‌انواع» چرا؟ چون که تا نیزه‌هایی چند ثانیه بیشتر نماده است تا این که تکلیف معلوم شود، تا این که بفهمیم چه کارهایم.

خاطرات پر فراز و نشیب

در میان مقامات آمریکایی دعوایی پیش آمده بر سر این که جناب اوباما در مراسم آغاز سال تحصیلی دانش آموزان سخنرانی کنند یا نه! رئیس جمهور آمریکا مثل این که علاقه زیادی به ورایی کردن دارد (حالا هی بگویید خانم‌ها پر حرفند) تصمیم دارد در مراسم آغاز سال تحصیلی از خاطرات کودکی خود برای دانش آموزان حرف بزند. این که چطور روزهای پر فراز و نشیب را گذرانده تا به اینجا رسیده!! و همان داستان بیخ حوض و اینا... مقامات آمریکا معتقدند که اوباما ذهن بچه‌های طفلی را شست و شو می‌دهد. خبر ندارند ما به چه سخنرانی‌ها که در دوران

**خواب ذیر نور مانیتور**

[بهمن مرادپور]
سلام این هفته خبرهای جالبی برای شما داریم! از ورزش و نوشیدنی و خرابی بی‌فوتبالی جهان! راستی سرعت اینترنت شما چطور است؟ امیدواریم این‌قدر کم نباشد که پشت مانیتور خوابتان ببرد!

توبیلوف درمانی!

بعد از توبیلوف‌هایی که یکی پس از دیگری سر به زیر شدند. بالاخره گروهی به روییه رفتند تا اعلت این سقوط‌ها را بررسی کنند. این در حالی است که بارها شنیدیم علت سقوط خطای انسانی بوده؟! این گروه تاکنون به علت ۴۶ سانحه رسیدگی کرده اما بقیه هنوز در راهند انگار... چرا که این قضیه سر دراز دارد... ایران باز هم تصمیم گرفته از هواپیمای مسافربری بخرد. بررسی کارشناسان تحلیل گر چیم نشان دهندۀ این است که در مسکو خیلی به این گروه خوش گذشته که تصمیم گرفتند توبیلوف‌های سر به زیر را به فراموشی بسپارند و دوباره!!! خوب ما را هم برای سفری به روسیه دعوت کنید شاید نظرمان عوض شد. به قول معروف گروه ایرانی مزبور توبیلوف درمانی شدند و در ذهن شان به جای سقوط توبیلوف صحنه‌های زیبای سفرهای رنگین جای گرفته است و با این استدلال به ایران بازگشته‌اند که این هواپیماهای جدید موتورش غریب است و فقط بدنه آن ساخت روسیه می‌باشد. ما به فکر بودجه مملکت هستیم!! کسی هم این وسط نمی‌پرسد اگر فردا این هواپیماها سقوط کردن از کجا معلوم می‌شود سازنده موتور کدام کشور غریب است. اصلاً کدام کشور غریب حاضر است مسئولیت آن را قبول کند؟

۱ مرفاوی: عنايتي
۲ و سياوش
۳ زوج.....هستند.
۴ گل خراب کن
۵ خوشحال و خندان
۶ کم درآمد
۷ آينده!

۱ بر اساس حروف الفبا!
۲ با شير یا خط
۳ دوان دون

۲ احمدی نژاد: برخی دولت‌های
۳ اروپايان.....هستند.
۴ عقب مانده سياسي
۵ بني نزاكت
۶ اروپايان
۷ بني کار

۳ مدیرعامل شركت ملي صنایع
۴ پتروشيمي: طرح برای افتتاح زياد
۵ دارييم اما کسی نیست افتتاح کند. این یعنی:
۶ پول برای افتتاح نداريم
۷ جمعيت ايران کم است
۸ کجا افتتاح کنیم؟
۹ اگر خوشاست طرح‌های ما را
۱۰ افتتاح کيد زنگ بزنید!

آتنی خرافه

می‌گویند اگر بینی (توی ساعت دیجیتالی) ساعت و دقیقه یک عدد می‌شوند، آن موقع یکی به یاد تو افتاده. یا این که می‌گویند اگر پلکت پردد، یعنی این که یکی به یاد است و می‌خواهد بیاد خانه شما مهمنانی. از این جور چیزها زیاد می‌گویند؛ درست یا اشتباه. ولی من می‌گویم... نه من نمی‌گم خودشان می‌گویند که چه ما یادی از شون بکنیم یا نکنیم، همیشه به یاد ما هستند و حواس‌شان به ما ماست. نوشه شده در وبلاگ «تو .. بهترینی»

رب فارسی!

دخلتر خوب به نش می‌ره
تو بگو بینم نش کیا!
اینم از رب فارس...!
نوشه شده در وبلاگ «دفر»

اشکی

«به سرچشممه آبها افتاد و آبها همه تلخ شدند» از آن پس رگ‌های زمین تلخ تپید، و کودکان بالای سرshan، جای پشمک، کافور دیدند. آسمان می‌گریست و آرام آرام تن زمین را می‌شست. کودکان خسته از هرچه آسمان و کافور، پناه برندن به آغوش مادرشان و آغوش تلخ مادر مرده. تنها صدای جیرجیرکی جایی در آن گورستان ابدی برای آبها مرثیه می‌خواند. نوشه شده در وبلاگ «دفرچه»

آواز قناری

در روزگاران قدیم که هنوز تکنولوژی پیشرفته نکرده بود. کارگران در معادن ذغال سنگ، یک یا دو قناری را در قفس می‌گذاشتند تا آواز پیخواندن. قناری هم آواز می‌خواند تا وقتی که گاز متصاعد شده از حد مجاز می‌گذشت، آن وقت قناری ساکت می‌شود. کارگران از سکوت قناری متوجه می‌شوند خطری درشرف و قوع است و فوراً معدن را ترک می‌کردن. «نه گات» نظریه‌ای دارد به نام «قناری درمعدن». او معتقد است که بعضی‌ها می‌توانند مانند یک حسگر قوی بحران‌های جامعه را خیلی سریع تشخیص بدند. نوشه شده در وبلاگ «دفترچه‌انواع»

جو مو نگ هم برای مشاوره پیش ما می آید!

سلام، دلیل خلوتی این جا فعلًاً مربوط به این است که ما اهل تبلیغات رنگارنگ و دروغین نیستیم، و گرنه با چند تا تیتر زرد و آگهی تمام رنگی می توانستیم از در و دیوار اینجا ادم بیارانی! فعلًاً بضاعت ما در حد همین کور و کچل های زیر است:

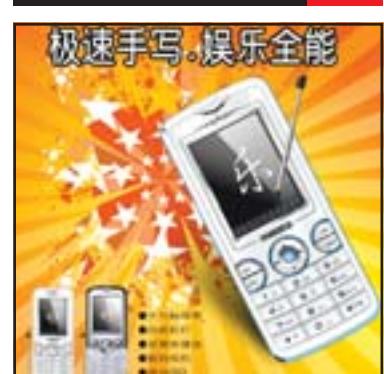
■ یک نفر خیلی پیرمرد فرتونت: جوان (!) ۹۶ ساله ای هستم با کمی فراموشی، لرزش خفیف ستون فقرات، اندکی عصبانی مزاج، کمی هم بی موقع خوابیم می برد. حالا همه اینها به کنار چندی پیش قرار بود همه مرا به عنوان کل خدا دهمان انتخاب کنند، یعنی همه قول داده بودند! بعد یک هو خیمازه کشیدم دیدم تمام گاو و گوساله ای که فروخته بودم و زده بودم تو کار تبلیغات دود شد رفت هو! حتی زنم هم به من رای نداد! الان خیلی افسرده‌ام، مشاوره‌ام کنید! راستی خیلی هم شجاع هستم. (چه ربطی داشت!?)

□ دکتر بدینه کنان (مشاور در امور جیب خود): با این ظاهر و باطن سینی، امیدی به خود جنبالی نیست! اما چند توصیه به اطرافیان تان می کنم: یک لیستی از نوزادان آینده و اموات حداقل ۴۰ سال پیش ده تان تهیه کنید، بعد هم در بوق، جار بزندید که این افراد در این روزهای اخیر «هپلی هپپو» شده‌اند و واصلی! بعد مقداری از خون مابقی چندین گله گوسفندتان بر سر و کله تعداد دیگری از مردم پاشید، به جای خون واقعی! دست آخر هم بگویید فلانی را با فلانی را در حال چیز دیده‌اید و یا فلان تعداد دختر و پسر را چیز کرده‌اند. بعد این مواد اولیه‌ای که گفتم را در یک روزی که آفتاب مستقیم می تايد، با سرعت خیلی زياد، يكبار از رو فقط برای آن جوان (!) ۹۶ ساله بخوانيد و بفرستيدش تا برود دهقان (پیرمرد) فداکار بازي از خودش دربياورد!!

■ يک جوان: گفته‌اند که نرخ بیکاری جوانان ۲.۵ برابر بیشتر از بزرگسالان است، یعنی چه؟

□ دکتر متترجم (متخصص در امور ماست مالیدن بر روی همه چیز!): یعنی اگر روزی ۳ لیوان شیر بخوری، زودی بزرگ می شوی و وقتی رفتی در رده بزرگسالان، آن وقت مشکلت حل می شود، فعلًاً شیرت را بخور!

- بیخشید شماره ۱۱۸ چنده؟
- ایرانسل: لطفا یک پیامک بدون متن به ۱۱۱۲ بفرستید.
- مگه اس ام اسا درست شده؟
- **مشروب نوشیدنی**
- بازار گان آلمانی دانشگاه شریعت اسلامی عربستان پس از شنیدن ایزی حرام است چطور می شود حلالش را ساخت؟ باید بگویید نوشیدنی است. حلال «ذیگر» مشروب نیست، نوشیدنی است. اگر بگویید مشروب است ما نمی خریم اما اگر بگویید نوشیدنی شاید خریدیم! بعد از تمام سخترانی عنوان شد احتمالاً ایشان از نوشیدنی حلال خورده بودند... ایران از افغانستان هم پایین تر است!



زن بودن یا نبودن

دوره آخرالزمان که می گویند همین است... مردم به همه چیز کار دارند به خدا... حسود هرگز نیاسود... می بینی گناههای آدم را الکی می شورند خواهر؟! ما یه عمر زن بودیم حالا بین یک مdal طلا چه ارزشی دارد که دارند این جوری زیرآب ما را می زنند... خوب شد باز رئیس جمهور نخواستیم بشویم خواهر... مردم کیلو کیلو مdal می گیرند کسی به روی خودش نمی آورد... حالا چشم ندارند بینند یک بار هم ما اول شدیم... متن بالا بخشنی از اظهارات قهرمان دوی ۹۰۰ متر زنان است که اعلام شده بعضی ها در زن بودن ایشان شک کرده‌اند!!

و مشغول یک سری آزمایشات بر روی قهرمان دو هستند. تا دو هفته دیگر مشخص می شود که زن بوده یا مرد... و موضوع مهم این است که در صورتی که مشخص شود زن نیست مdal طلای او پس گرفته می شود. این دونده احتمالاً زن در ادامه اظهاراتش بیان می کند این توطئه رقیبان برای ریومن مdal طلای من است و می دانم شب قبل از مسابقه عوضم کردند و گرنه من زن بودم به جان شما...

روزه بگیرید...

عنایتی: چون روزه می گیریم نمی توانم خوب بازی کنم. ما بعد از شنیدن این خبر با چندین برداشت مواجه شدیم:
 ۱/ منظور عنایتی این بوده که من پسرو خوبی هستم که روزه می گیرم تشویق کنید!
 ۲/ من قبلاً خوب بازی می کردم!
 ۳/ علمای عزیز به دلیل اینکه اکثر بازیکنان به سن تکلیف نرسیده‌اند فتوایی جهت روزه نگرفتن ورزشکاران صادر کنید تا خیال همه راحت شود و این عذاب و جدان ما هم بر طرف شود و هم سوال فوتیال دوستان که آیا فوتبالیست‌های مسلمان روزه می گیرند یا نه پاسخ داده شود.
 ۴/ بقیه که در ماه رمضان خوب بازی می کنند، روزه نمی گیرند.
 ۵/ سال‌های قبل در ماه رمضان روزه نمی گرفت.
 ۶/ خیلی دلم می خواهد روزه نگیرم اما خوب بازی کنم.
 ۷/ خیلی دوست دارم روزه بگیرم و حاضر به خاطر آن از فوتیال خدا حافظی کنم.
 ۸/ به خودم مربوطه می خوام چیکار کنم!

آینه حقیقت بین

خسته شده بود. دیگر چشم‌هایش هم به او راست نمی گفتند. نویسنده را می گوییم. بیچاره خیلی دلم برایش سوخت. انگار چشمانش هم ای بندگان من...؟! آخر خدای حکیم! با بخشنامه که نمی شود عاشق شد!!! نوشته شده در وبلاگ «خیلی وقت ننوشه»
نادیدنی
 اگر پیشانیم به خاک سجده کرد، اگر دیدگان مجذوب حکایان شد، اگر ضمیر مقهور زمانیان شد، اگر جسم گرد سنگ طوف کرد، همه به خاطر این بود که، تو خودت را نادیدنی کردی! نوشته شده در وبلاگ «کندلویی»
نوشته در وبلاگ «چشم سوم»

دردهایی... ahmadearam.blogfa.com

دردهایی هست که قلم در وصفشان می شکند و گاه می توانی صدای خوردن انجشتات را نیز بشنوی. اینها را نوشتمن هنر است و گفتن شان مرد می خواهد. هرچقدر هم که آرام باشی باز نمی توانی سکوت پیشه کنی، باید گفت، باید شنید و باید کاری کرد... «احمد آرام» داشتجوی فوق لیسانس است و می خواهد زندگی اش فوق زندگی روزمره باشد، به همین خاطر آن وقت‌هایی که ما امسش را تعطیلات می گذاریم با گروهی از دوستانش به رستهای محروم استان محروم ش، کرمان می رود حمام و خانه و مدرسه و مسجد می سازد و گاهی هم تجربه زندگی جهادی اش را روی قالب ساده و بلگش می ریزد.

نه صبر ایوب، نه عمر نوح

پیرمرد ملا بود و سوادی داشت و حرف که می زد انگار داشت از روی گلستان سعدی می خواند. حرفش را هم با چند بینی از همانجا شروع کرد. سر صحبت را که می خواهمن باز کنم، همان اول جمله‌ای می گویید که همه حرفهای تکراریم یاد می رود. می گویید: «اما همان‌هایی هستیم که رهبرانقلاب، امام خمینی به ما می گفت ذخیرانقلاب، منظورش ما کوخنشین‌ها و کپرنشین‌ها بود... مردم رستای ما از زمانی که خداوند انسان‌ها را خلق کرد، هنوز در تاریکی شب به سر می برند، از همه مزایا بی بهره، عقب‌مانده، سی واندی سال از عمر نظام جمهوری اسلامی می گذرد، ما نه گنج قارون داریم، نه صبر ایوب داریم، نه عمر نوح...» نوشته شده در وبلاگ «زندگی جهادی»



به مناسبت روز سینما؛ اندرباب سینماهای شهرمان

خانه از پای بست ویران است

بلند می شود. مامور سینما با چراغ قوه اش بین جمعیت نور می اندازد تا کسانی را که شلوغ می کنند، تشخیص بدهد. صدا به صدا نمی رسد. عده ای اعتراف می کنند. کیفیت صدا خیلی پایین است. فیلم دارد پخش می شود، اما جز تصویری که با سایه آدمها مخدوش می شود، چیز دیگری از فیلم درک نمی کنی. سعی می کنی تم رک کنی، اما باید مرتب به راست و چپ بچرخی تا تصویر روی پرده را کامل ببینی. صندلی ات غُرُّ می کند. هوای سالن به شدت گرم است و شرشر عرق می ریزی. آرزو می کنی فیلم هرچه زودتر تمام شود و بالاخره این اتفاق می افتد. چراغها روشن می شوند و همه با سروصدای زیاد از روی صندلی هایشان بلند می شوند. یکی از درهای خروجی باز نمی شود و جمعیت پشت تنها در خروجی سالن به همدیگر فشار می زند. آخرین عذاب سینما رفتنه را هم تحمل می کنی و ناگهان با فشار جمعیت پرت می شوی وسط خیابان! بالاخره تمام شد!

[مریم توکلی] روی یکی از صندلی های ردیف وسط نشسته ای. بعد از آن که بالاخره در سالن آخر موفق به تهیه بلیت شدی، خدا را شکر می کنی. صندلی های کم سینما، پر می شود. هنوز چراغها خاموش نشده که یکی می خواهد از میان جمعیت رد شده و از سالن خارج شود. همه کسانی که در ردیف جلویی تو نشسته اند، یکی یکی از جایشان بلند می شوند تا او بتواند عبور کند. چراغها خاموش می شوند و آگهی های تبلیغاتی پرده سینما را پر می کنند. یکنفر از ردیف عقب بسته چیس را باز می کند. یکنفر دیگر تندتند تخدم می شکند. یکنفرزاد که از خاموش شدن چراغها ترسیده، با صدای بلند گریه می کند. آگهی های بازرگانی تمام می شود، اما صدای موسیقی فیلم به گوش کسانی که در ردیف های انتهایی نشسته اند، نمی رسد. یکنفر از انتهای سالن داد می زند: «لوم بد!» همه با او هم صدا می شوند. صدای خنده حاضرین

از سینما ناصرالدین شاهی تا امروز

نام «آرادشیس باتماگرایان» (معروف به اردشیر خان ارمنی) بود که در سال ۱۲۹۱ در خیابان عالم الدوله روبروی بانک ایران و روس (فردوسی کنونی)، روپروری بانک پس انداز ملی ایران) و مهمان خانه پاریس (فروشگاه فردوسی) سریال تارزان، چارلی چاپلین و ماسیست را عرضه کرد. بنا به گفته مسئولان فرهنگ و ارشاد، در حال حاضر ۴۰۰ سینما در ایران فعال است که همین تعداد پاسخ گوی سیاری از نیازهای فرهنگی و تفریحی مردم کشورمان نیست.

علاوه بر این توزیع نامناسب این مراکز نیز از مضلاعتی است که هم اکنون اغلب شهرهای کشور ما با آن مواجه هستند.

تعداد نامیدکننده سالن های سینما در ایران

و بلژیک بالاتر از ایران قرار گرفته اند. در آخرین بخش از گزارش اسکرین دیلی مربوط تاریخ انتشار آن مربوط سال ۲۰۰۷ یعنی تقریباً یک سال گذشته می شود، به وضعیت سینمای جهان در سال ۲۰۰۷ پرداخته است. براساس آمار ارائه شده، آمریکا تا پایان سال ۲۰۰۷، بالغ بر ۳۸ هزار و ۹۷۰ سالن سینما داشته است که از این لحظه اختلاف بسیار چشم گیری با دیگر کشورهای جهان دارد. هند که نزدیکترین رقیب آمریکا است، ۱۴ هزار سالن سینما دارد و از این لحظه در رتبه دوم ایستاده است. فرانسه، آلمان، اسپانیا، مکزیک و انگلستان بالاتر از چین و ژاپن دارای بیشترین سالن های سینما هستند. در این بخش ایران با ۲۵ سالن سینما تا پایان سال ۲۰۰۷ در رتبه دوم قرار دارد. آسیایی دارند. ایران ایمن گزارش، ایران با ۳/۹ پایین جدول دیده می شود. کشورهایی چون تایلند، تایوان، هنگ کنگ، ژاپن، لبنان، مالزی و کره جنوبی کشورهای آسیایی هستند که از این حیث آمار به مراتب بهتری نسبت به سینمای ایران دارند.

سایه سکوت بر سینمای وطنی

سالن های سینما از جمله اماکنی هستند که در گذشته جایگاه ویژه ای در میان مجموعه سینماهای فرهنگی های فرهنگی مردم داشتند و شهروندان با اهداف گوناگون از این محیط فرهنگی بهره می نهادند. ولی آنچه که این نبود تنوع و جاذیت فیلم، نبود قانون کمی رایت و فرسوده بودن محیط و سالن های سینما در کاهش مخاطبان آن تاثیر فراوان داشته است. اگر این بی میلی مخاطبان هنر هفتمن به حضور توزیع فیلم های سینمایی همزمان با اکران شاهد تسریع در روند تغییر کاربری این سالن ها باشیم. حالا دیگر این یک موضوع قطعی است که با وجود دستگاه های صوتی و تصویری

سینمای عقیم شده

این روزها با وجود سی دی های قاچاق آنچه می تواند تماشاگر را به سینما بکشاند کیفیت مطلوب پخش فیلم و محیط سینماست. این در شایسته تماشاگر ایرانی که در گرما و ترافیک به سینما می آید تا فیلم ایرانی تماشا بکند نیست، که با این سرویس دهی نامناسب رو به رو شده و برای شیندن دیالوگ های فیلم دچار مشکل شود. حتی سرویس های بهداشتی برخی از سینماها در قیاس با سرویس های بهداشتی پارکها و پست نقص دفع مخاطب را ایفا می کنند. این وضعیت نامطلوب نه تنها به فیلم که اصولاً به صنعت سینمای ایران لطمه وارد می کند. در شرایط فعلی که صنعت سینما از طریق اینبوه سی دی های قاچاق که از آن سوی دنیا با زیرنویس فارسی و با قیمت بسیار ارزان به سهولت در اختیار مردم قرار می گیرد به شدت تهدید می شود، تلاش عظیم فیلم سازان برای روانه کردن تماشاگران به سینماها عقیم می ماند. آن رسیده که در این زمینه اتفاق جدی بیفتند.

واقع نگاری سینمای ایران در دهه ۸۰

سال ۸۷

- سالن طبقه اول سینما جمهوری کاملاً سوخت پر دیس سینمایی پارک ملت افتتاح شد.
- استمداد داود رشیدی از پلیس امنیت اخلاقی و وزارت ارشاد درباره تجاوز به حریم خصوصی بازیگران و پخش تصاویر جعلی یا خصوصی آنها.

سال ۸۶

- افتتاح سینما آزادی تهران.
- دریافت با ارزش ترین جایزه بازیگری جهانی توسعه ناجی در برلین.
- ازدواج و طلاق هدیه تهرانی با هومن بهمنش.

سال ۸۵

- در گذشت پویک گلدره، بابک بیات، رسول ملاقلی پور، خسرو شایگان و...

سال ۸۴

- جعفر پناهی خرس نقره‌ای جشنواره برلین را برای کارگردانی فیلم «آفساید» دریافت کرد.
 - نام فیلم «خانه دوست کجاست» در فهرست ده فیلم برگزیده انتستیتو فیلم بریتانیا برای کودکان زیر چهارده سال جهان قرار می‌گیرد.
 - حضور «شونین» در ایران سر و صدای زیادی را به دنبال داشت. شونین بازیگر متعارض آمریکا و بچه بد هالیوود طی سفر یک هفته‌ای خود به ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به عنوان خبرنگار به نماز جمعه تهران و بعضی دفاتر انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری سر زد. او در راه بازگشت تدبیس خانه سینما و لوح یادبود موزه سینما را با خود به یادگار برداشت.
 - انتصاب «محمد رضا جعفری» جلوه به سمت معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت ارشاد بود.
- مراسم تقدیر از محمد مهدی حیدریان معاون سینمای پیشین نیز روز چهارشنبه ۱۶ شهریور در سینما فرهنگ برگزار شد.

سال ۸۳

- هیأت اسلامی هنرمندان در گریش سالانه خود از فیلم‌های برتر سال ۸۳ ایران، فیلم سینمایی «خیلی دور، خیلی نزدیک» ساخته «سید رضا میرکریمی» را به عنوان فیلم برتر سینمایی ۸۳ ایران برگزید و ۴ سکه بهار آزادی و لوح سپاس خود را به کارگردان این فیلم اهدا کرد.

- «کما» (آرش معیریان) با بازی «امین حیایی» رکورد شکن شده و در اولین نمایش تهران خود ۶۰ میلیون تومان فروخت که تا آن زمان فروشی بی سابقه محسوب می‌شد.
- جایزه بهترین اثر هنری جشنواره فیلم قاهره از آن «خیلی دور، خیلی نزدیک» شد.

سال ۸۲

- «دوئل» به عنوان پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران با صرف یک میلیارد و دویست میلیون تومان هزینه به کارگردانی «احمدرضا درویش» ساخته شد.

سال ۸۱

- «ترانه علیدوستی» با بازی در اولین نقش سینمایی خود در فیلم «من ترانه پانزده سال دارم» در عرض یک ماه چهار جایزه گرفت:
- بهترین بازیگر نقش اول زن از بیستمین جشنواره فیلم فجر بهترین بازیگر به انتخاب انجمن نویسندها و متقاضان بهترین بازیگر در جشنواره فیلم آبادان. در جشنواره مونترال هم چهارمین جایزه خود را گرفت.

سال ۸۰

- «کیومرث پوراحمد» پس از فیلم پر فروش «خواهان غریب» (۱۳۷۴) و شش سال دوری از سینما سرانجام موفق به ساخت «شب یلدا» شد و «بهرام بیضایی» پس از ده سال دوری از سینما فیلم «سگ کشی» را ساخت.
- لیلا حاتمی در این سال برای بازی در فیلم «ایستگاه متروک» جایزه جشنواره مونترال را گرفت.

پر فروش ترین‌ها

۱۳۸۸ اخراجی‌های ۲
(مسعود دهنمکی)



- ۱۳۸۰ سگ کشی
- بهرام بیضایی)
- ۱۳۸۱ کلاه‌قرمزی و سروناز
- (ایرج طهماسب)
- ۱۳۸۲ توکیو بدون توقف
- (سعید عالم‌زاده)،
- ۱۳۸۳ مارمولک
- (کمال تبریزی)
- ۱۳۸۴ مکس
- (سامان مقدم)
- ۱۳۸۵ آتش‌بس
- (تهمینه میلانی)
- ۱۳۸۶ اخراجی‌ها
- (مسعود دهنمکی)
- ۱۳۸۷ دایره زنگی
- (پریسا بخت‌آور)

پاسخگوی استقبال مردم باشند که سینما بهمن سالن از مجموعه ۲۲ سالن سینما در خراسان بهترین مثال این ماجراست و پس از آن توسط استمداد داود رشیدی از پلیس امنیت اخلاقی و وزارت ارشاد درباره تجاوز به حریم خصوصی بازیگران و پخش تصاویر جعلی یا خصوصی آنها.

«بهمن» به آن دچار بود به تعطیلی کشیده شد که آن سینما هم توسعه انجمن سینمای جوانان ایران خریداری شده است. با توجه به این که فعالیت سینما به تنهایی توجیه اقتصادی ندارد، برای تشویق فعالان این پخش و سودآور کردن این فعالیت، سیاست ارشاد احداث مجتمع‌های سینمایی سالن‌های متوسط اما متعدد است تا حق انتخاب بیشتر برای مخاطب مهیا شود که از این امیاز، پخش خصوصی در مشهد استفاده کرده است. در مجموع به توجه اقتصادی نداند، برخی از سینمایی‌های فرسوده نیز تغییر کاربری داده‌اند که نمونه آن سینما «شهر تماشا» در خیابان امام خمینی (ره) است که پس از تخریب برای احداث بنا در دست آماده‌سازی است در حالی که مجوز تغییر کاربری سینما به عنوان یک مرکز فرهنگی فقط در صورت جایگزینی و در نظر گرفتن مکانی برای احداث سینما توسط معاونت سینمایی وزارت ارشاد صادر می‌شود. معمولاً ساخت مجموعه‌های سینمایی با مشارکت پخش خصوصی و با کمک از منابع بانکی، مشکلاتی را برای فعالیت وادامه کار این سینمایی‌ها به همراه دارد، چرا که در بعضی مناطق شاید فعالیت سینمایی‌ها توجیه اقتصادی کمتر داشته باشد، هرچند که در نمی‌توانند

پارادوکس عرضه و تقاضا

اما از طرفی سینمادارها (چه پخش دولتی و چه بخش خصوصی) حاضر نیستند که برای احداث و بازسازی سالن نمایش سرمایه‌گذاری و هزینه کنند. زیرا برای ایجاد سینما در ندارد. پس ماجرا، همان است که همیشه بوده است: «عرضه» و «تقاضا» آیا می‌شود بنایی ساخت بی‌آنکه به کاربرد و بهره‌برداری از آن نیندیشید؟ و مگر می‌شود کالایی تولید کرد ولی

خانه ازیای بست ویران است

فراموش نکنیم که سالن سینما، مکانی است با استانداردهای مشخص ولی از آن مهم‌تر، فیلمی است که در آن محیط مقبول، نمایش داده می‌شود. یکی از معضلات بزرگ سینمایی شهر مشهد، فرسودگی بیش از حد برخی سینماهاست به گونه‌ای که امکانات مناسب

استاندارد سینما

تعريف شخصی از یک سالن خوب وجود ندارد اما می‌توان سالن‌های سینمایی را در پنج ویژگی بررسی کرد. تخته آن که بازدهی اقتصادی داشته باشد، برای این مهم سینما باید در موقعیت مناسب شهری تأمیس شود. هم‌چنین تعداد سالن‌های آن بیش از یک سالن باشد تا به مخاطبان امکان انتخاب فیلم بدهد. اندازه سالن‌های نیز باید متفاوت باشد تا فیلم‌هایی که مخاطب کمتری دارند در سالن‌های کوچکتر به نمایش درآیند. ضمن آن که سینما می‌تواند علاوه بر فیلم از روش‌هایی همچون تبلیغات محیطی درآمدزایی داشته باشد. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در ساخت سینما در بخش‌های تاریخی عدالت اجتماعی را فراهم کند تا تعادل در جامعه برقرار شود. تجهیزات نمایش از جمله مهم‌ترین امکانات فنی برای یک سینما است. امروزه بیشتر سینمایی‌های دنیا از امکانات دیجیتال استفاده می‌کنند. سیستم صدای ساررونده که بنام دالی که همان شرکت وارد کننده این تکنولوژی است معروف شده است از دیگر امکانات یک سینما پیشرفته است. در دنیای امروز سالن‌ها با موادی ساخته می‌شوند که کمتر قابلیت اشتغال داشته باشند و استانداردهای اینمی در کشورهای اروپایی بخصوص اینکلستان بهشت رعایت می‌شود.

جادوی هیپنوتیزم!

امیدوارم با خواندن این مطلب تصمیم نگیرید که خواهر و یا برادر کوچکترتان را رویه رویتان بنشانید و یک عدد ساعت زنجیردار (اگر پیدا کردید!) را برایش تکان دهید و هی چشمانتان را تگ و گشاد کنید تا آن بی چاره را هیپنوتیزم کنید، چون هیپنوتیزم کردن از این طریق بیشتر توی فیلم هاست تا در واقعیت. در واقع خیلی ها فکر می کنند که هیپنوتیزم نوعی جادو و جنبل و یا شعبده بازی است در حالی که هیپنوتیزم در حقیقت شاخه ای از علم است که امروزه از آن برای درمان یا کمک به درمان بسیاری از بیماری ها و مشکلات جسمی و روحی استفاده می شود. از نظر تعریف «هیپنوتیزم تغییر گذراخی حالت هوشیاری است که باعث تغییر در قدرت درک و تمرکز فرد شده و تا حدی او را از محیط اطراف جدا می کند». این علم هم مثل خیلی علوم دیگر جدید نیست و از هزاران سال قبل وجود داشته و حتی از حدود ۶۰ سال قبل در آمریکا و انگلیس برای درمان بیماری ها توسط پزشکان آن دیار تایید شده است ولی طبق معمول ما ایرانی ها تازه از اهمیت آن خبر دار شده ایم و تازه از جا بلند شده ایم تا از قاله عقب نمایم. برخلاف تصور مردم هیپنوتیزم شدن نشانه ضعف شخصیتی نیست؛ بالعكس افرادی که از درجات هوش و درک و تمرکز بیشتری برخوردارند بهتر هیپنوتیزم می شوند و مثلاً افراد عقب افتاده ذهنی را نمی شود هیپنوتیزم کرد. شاید تا به حال در مورد کاربردهای هیپنوتیزم از گوش و کنار شننده باشید. از کاربردهای شایع آن در روانپزشکی و درمان بیماری هایی مثل اضطراب، افسردگی، لکنت زبان، تیکهای عصبی مثل کنند مو یا جویدن ناخن، یا ترس های مختلف (ترس از بلندی، ترس از متحahn یا ترس از حل کردن معماهای جیم!) و ترک اعتیاد است. چون حالت خلسه ای که در هیپنوتیزم ایجاد می شود درجات مختلفی دارد که در بعضی درجات آن حالت بی حسی و بی دردی هم ایجاد می شود می توان از آن برای انجام جراحی های کوچک و دندانپزشکی بدون استفاده از داروی بی حسی، انجام زایمان طبیعی بی درد و حتی عمل سازارین هم استفاده کرد (مورد اخیر در ایران با موقفيت انجام شده است). مزیت استفاده از این روش برای درمان این است که روشی جذاب، بدون درد و لذت یخش است و اگر به روش درست و توسط افراد وارد انجام شود، تقریباً هیچ نوع عارضه جانبی هم ندارد ضمن این که با سایر روش های درمانی هم تداخلی ندارد و فرد می تواند در صورت تشخیص پزشک در کنار هیپنوتیزم درمانی به درمان های دارویی و... هم ادامه دهد. در این صورت هیپنوتیزم می تواند اثر سایر درمانها را تقویت هم بکند. دوره درمان با هیپنوتیزم عموماً بین ۶ تا ۱۲ جلسه است که بسته به فرد و نوع و شدت بیماری می تواند متغیر باشد. این کار معمولاً توسط یک فرد وارد و آموزش دیده انجام می شود و بعد از چند جلسه خود بیمار هم می تواند آن را یاد بگیرد و به اصطلاح خود هیپنوتیزم کند که در پیشرفت درمانش خیلی موثر است. انجمن هیپنوتیزم باليٽ ايران که در سال های اخیر تشکيل شده است (دفتر شعبه خراسان آن در محدوده بلوار وکيل آباد، سه راه كوكا قرار دارد)، می تواند در مورد هیپنوتیزم یا آموزش آن اطلاعات بيشتری در اختیار شما بگذارد و البته کتاب های زيادي هم در اين مورد وجود دارد که مطالعه بيشتر باشد به عهده خودتان.

فناوري اطلاعات ۵۰ خصوصيت
زندگى انسان را نابود گردد است

زندگى با نابودگر

[مهدى حسيني]

هر روز خبرهای تازه‌ای از فناوري اطلاعات به گوش می‌رسد که انسان را از ادامه زندگی مایوس می‌کند یک روز اعلام می‌شود موس و صفحه کلید کامپیوتر اوست سیگ تراست، روز دیگر اعلام می‌شود یک فرد چینی پس از چندین ساعت کار با رایانه در جا جان سپرد و در روز دیگر می‌گویند کسانی که در دنیا مجازی زیاد رفت و آمد می‌کنند روابط اجتماعی خود را از دست می‌دهند این خبرها و صدھا خبر دیگر خبرهایی است که هر روز در فضاهای مجازی واقعی منتشر می‌شود که اتفاقاً کم هم نیستند و هر روز به اشكال گوناگون منتشر می‌شوند. اما همه افرادی که با این فناوريها در ارتباطند حاضر نیستند آنها را ترک کنند یا حداقل از آنها فاصله بگیرند همه به طرز عجیبی معتقد این گونه فناوريها شده‌اند. فناوري هایی که به قول دیر جیم حتی بعضی از عادات زندگی ما را تغییر داده‌اند. نوشته زیر اثباتی است برای پذیرش سخن گوهر بار دیر جیم!!

خاطرات یک خبرنگار

در این میان خاطرات یکی از کاربران بسیار جالب بود یک خبرنگار انگلیسی روزنامه ایندیپنڈنت در اقدامی جالب تصمیم گرفت ۷ روز بدون ابزارهای فناوري گذرانده بود متشتم شد. «دام جولی» خبرنگار روزنامه ایندیپنڈنت تصمیم گرفت ۷ روز را بدون رایانه شخصی، آی پاد، تلویزیون دیجیتال و جست و جو گاه ماهواره‌ای و در کل تمام فناوريها که در این ۲۵ سال گذشته زندگی مردم دنیا را دستخوش تحول کرده‌اند، بگذاند و زندگی و شرح این واقعی را در این روزنامه انگلیسی منتشر کند.

دام جولی در مقدمه این مقاله توضیح داد: تمام روز من با رایانه می‌گذرد چرا که باید کار کنم اما در حقیقت خانواده من می‌دانند که این راه و رود برای استفاده‌های بیشتر از فناوريهای دیگر است. به همین علت وقتی روزنامه از من خواست که این تجربه را انجام دهم همسرم به من خنده دید و گفت که نمی‌توانم بدون فناوري زندگی کنم اما من تصمیم گرفتم این پیشنهاد را پذیرم و اکنون خاطرات مربوط به آن ۷ روز و حشتاتک را منتشر می‌کنم. وقتی خاطرات تمام جولی را می‌خوانیم شواهد جالبی در مورد این موضوع پیدا می‌کنید که فناوريهای اطلاعات ۵۰ خصوصیت زندگی آدمی را نابود می‌کنند. او در خاطراتش (به قول خودش ۷ روز خاطره و حشتاتک) جملاتی در تایید این نکته دارد.

بخشی از روز اول:

باید برای ایندی (ایندیپنڈنت) مقاله بنویسم و این کار را باید با دست انجام دهم. به نظرم حداقل ۱۰ سال است که دیگر چیزی را با مداد نوشته ام اما الان باید با دست بنویسم ولی دست خطم خیلی بد شده است. سرانجام موفق می‌شوم که مقالم را تمام کنم اما خودم نمی‌توانم دست خطم را بخوانم!

بخشی از خاطرات یک روز مانده به پایان (روز ششم):

یک روز بیشتر تا پایان ماموریتم نمانده، اما برای من مهم نیست. آشپزی و تیله بازی و بعد یقه ها را به تختخواب می‌برم و برایشان قصه می‌گویم. احساس می‌کنم که بهترین بایای دنیا هست.

بخشی از خاطرات روز آخر:

با کلامی خالی از خواب بیدار می‌شوم. این هفته خودم را تخلیه کردم، همسرم هنوز عاشق من است و من احساس خوبی دارم. دیگر تمام وقت آزادم را پای اینترنت نمی‌گذرانم. خوب، اینترنت وقتی که برای در قطار هستم به من کمک می‌کند، اما شاید از دوشنبه وقتی که وسایل فناوري خود را دوباره در می‌آورم سعی کنم که زمان جست و جو در اینترنت را محدود کنم.



عادت گردید!

خاطرات خبرنگار ایندیپنڈنت توضیحی است برای اثبات این نکته که خبری که ما در زیر منتشرش می‌کنیم کذب مغض نبود و زایده تخيّلات دانشمندان نیست کافی است مثل خبرنگار ایندیپنڈنت (به قول خودش ایندی) برای یک یا چند روز کمی از این وسائل فاصله بگیرید خواهید دید چقدر زندگی تان تغییر می‌کند تبدیل به یک فرزند خوب برای پدر و مادر یا یک پدر و مادر خوب برای فرزندتان می‌شوید. زندگی در دنیا بدون فناوري گرچه مشکلاتی را پهلو خود را می‌آورد اما در مقابل مزایای زیادی هم دارد. نتیجه یک تحقیق جدید همین مزایا را نشان می‌دهد به طور کلی می‌توان بدون در نظر گرفتن رتبه‌بندي خاصی اعلام کرد در جهان امروز ۵۰ مورد از میان فعالیت‌ها، خصوصیات، مشاغل، عادت‌ها و تجربیات زندگی تان غیر مطبوع داده اند. نوشته زیر اثباتی است برای پذیرش سخن گوهر بار دیر جیم!!

هر انتقاد مودبیان از خصوصیات رو به فراموشی در میان کاربران اینترنتی است. اینترنت به صورت قطع آواز مناشت و اختلاف عقاید را تندی و شدیدتر کرده است به صورتی که در اغلب سایتها و وبلاگها که مکانی برای اظهار این نظرکردن مخاطب وجود دارد می‌توان انتقادات تند و گاه به دور از ادب را مشاهده کرد.

وقت‌شناسی نیز خصلت دیگری است که به واسطه ظهور تلفن‌های همراه رو به نابودی است. قبل از گسترش تلفن‌های همراه مردم ناچار بودند به گونه‌ای زمان خود را تنظیم کنند که در وقت تعیین شده بر سر قرارهای مختلف خود حاضر شوند اما اکنون با ارسال یک پیام کوتاه افراد یکدیگر را از دیر رسیدن آگاه کرده و مسئولیت سر وقت رسیدن را از سریاز می‌کنند. ساعت از جمله این افراد زیبا، دوست داشتنی و پر طرفدار بوده است که این اتفاقه از آن به واسطه ساعت‌های دیجیتال تلفن‌های همراه تقریباً متوقف شده است.

نامه‌ها یکی از روش‌های ارتباطی زیبا و نوستالژیکی هستند که نامه‌های الکترونیک با سرعتی بالا آن را به کل به بخشی رو به فراموشی از تاریخ تبدیل کرده و از همه مهمتر عبارات خداخافظی در انتهای نامه‌ها را به چند لغت سرد و کوتاه تبدیل کرده است. به یاد سپردن اکنون به وظیفه سایتها مانند «گوکل» و «ویکی‌پدیا» تبدیل شده است. زیرا افزایش میزان اطلاعات و ذخیره آن امروزه ارزش پیشین خود را از دست داده است و آن‌چه مهم است نحوه استفاده از آن خواهد بود.

آبیوها و اسلامیدهای عکس نیز از نسل تجهیزات و عادات روزمره رو به نابودی هستند زیرا با وجود سایتها مانند «فیس بوک» و «فلیکر» کاربران می‌توانند هر اطلاعاتی را با هزاران فرد دیگر تقسیم کنند و نیازی به عکس‌های کاغذی نخواهند داشت. در ادامه همین تحول شرکت کدک

به دلیل استقبال کم و کاهش تقاضا تولید فیلم‌های اسلايد خود را متوقف کرده است. تلویزیون نگاهدار کردن در کنار یکدیگر با ارائه برنامه‌هایی مانند «Hulu» و «iPlayer» به قالب اینفرادی تغییر وضعیت داده است. به این شکل یکی از جاذب‌ترین ابزارهای رسانه‌ای جهان می‌باشد افراد خانواده و

یا دوستان به صورت مجزا خواهد بود که به صورت اینفرادی برنامه‌های مورد علاقه خود را تماشا می‌کنند. حریم خصوصی در کنار وب سایتها اجتماعی به خودی خود توسط کاربران از بین می‌رود زیرا کاربران میزان زیادی از اطلاعات شخصی خود را بر روی شبکه قرار می‌دهند و شخصاً حریم خصوصی خود را به خطر می‌اندازن. تمرکز، آرشیو موسیقی، استفاده از وقت اضافه برای مطالعه، هیجان کشف نتایج مسابقات ورزشی، دفتر تلفن، اعتماد به پزشکان و یادداشت برداری که جای خود را به لینک‌های اینترنتی داده است از دیگر این از این عادات رخصوصیات و شیوه‌های زندگی هستند که تجهیزات ارتباطی و اینترنت را نیزه ساز فراموشی همیشگی آنها شده و یا خواهند شد.

چهل چراغ یهودی‌ها برای مسجدشان!

را که در حمایت مسلمانان است، گرفته‌اند. شنیده‌ام دشمن، سرزمین مسلمین را غارت کرده است، مردانشان را کشته است، اسیر کرده است، متعرض زنان آن‌ها شده است، زیورها را از گوش و دست زنها جدا کرده است. بعد همین علی بن ابی طالب که ما اظهار تشیع او را می‌کنیم و نسبت به او حساسیت‌های بی معنی و دروغین نشان می‌دهیم فرمود: «فلو ان امراء مسلمان مات من بعد هذا اسفا ما كان به معلوم بال كان به عندي جديراً»^(۱). اگر يك مرد مسلمان با شنیدن اين خبر دق كند و بميرد، سزاوار است و مورد ملامت نیست.

اگر ۷۰۰ میلیون جمعیت مسلمان دنیا، هر فرد روزی يك ریال بددهد، در سال تزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار می‌شود. اگر فقط مردم ایران که ۲۵ میلیون نفر هستیم و ۹۸ درصد ما مسلمان است، هر فرد، روزی يك ریال به فلسطینی‌ها کمک کند، در سال حدود ۹۰ میلیون تومان می‌شود. اگر يك عشر مسلمانان هم هر کس روزی يك ریال کمک کند، در سال ۹ میلیون تومان می‌شود. «فضل... المُجاهِدِينَ بِأموالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ». سبیل... بِأموالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ».

به وسیله مال که می‌توانیم کمک کنیم. ... این اتفاق واجب است، مثل نماز خواندن و روزه گرفتن واجب است. اولين سؤالي که بعد از مردن از ما می‌کنند، همین است که در زمینه همبستگی اسلامی چه کردید؟ پیغمبر فرمود: «من سمع مسلمان‌پیادی یا للمسلمین فلم یجه به فلیس بِمُسْلِمٍ» هر کس بشنو، صدای مسلمانی را که فریاد می‌کند، همین دید، دیگر فرمود شنیده‌ام زینب يك زن مسلمان یا زنی

روز قدس یا همه روزها

اگر از آن دسته از آدم‌هایی هستید که می‌گویید: «مگر فلسطینی‌ها فقط روز قدس احتیاج به کمک و همراهی دارند؟» چند تا نکته برای همراهی همیشگی:

■ پنجم: کارهای دسته جمعی که در محیط مجازی صورت می‌گیرد: در مورد قضیه جنگ غزه و بلاگ‌های زیادی شکل گرفت که در مورد غزه کار می‌کردن، ماجرای بمب گوگلی غزه و لینک‌دادن برای بالا آمدنش توی گوگل را هم که شنیده‌اید.

■ ششم: کسب مهارت‌هایی که برای جهاد و کمک به هر شکل آن لازم است: چیزهایی را که الان آرزو داریم انجام بدهیم و توانایی اش را نداریم یادداشت کنیم برنامه‌ریزی کنیم و هر مهارتی را که می‌شود کسب کنیم. بینیم چه مهارت‌هایی لازم است، اگر قرار است زبان انگلیسی و عربی‌مان را تقویت کنیم یا فن نظامی یاد بگیریم، برویم دنبال گرفتش.

■ هفتم: زنده نگهداشتن یاد فلسطین بین مردم.

آغاز کرده است.

■ تحلیلگر این رادیو سه روز قبل از برگزاری اولين راهپیمایی روز قدس گفت: از زمانی که آیت الله خمینی در ایران به قدرت رسیده است او روش‌های ضدانسانی را در کشورش اعمال می‌کند.

■ ۲۴ مرداد آخرین جمعه ماه رمضان در سال ۵۸ آغاز شده برای راهپیمایی روز قدس.

■ آیت الله خمینی نماینده امام در سورای عالی دفاع سخنران اولين راهپیمایی روز قدس در تهران است.

■ علاوه بر شهرهای مختلف ایران از ۷ کشور مسلمان خبر می‌رسد که نخستین راهپیمایی روز قدس باشکوه فراوان برگزار شده است.

■ فرستاده حافظ اسد رئیس جمهور سوریه که به نمایندگی از کشورهای منطقه برای تقدیر از اقدام امام به تهران آمده است در راهپیمایی روز قدس می‌گوید.

■ مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت عصبانی است در روزهای مانده به آغاز راهپیمایی تبلیغات گسترده را بر ضد امام

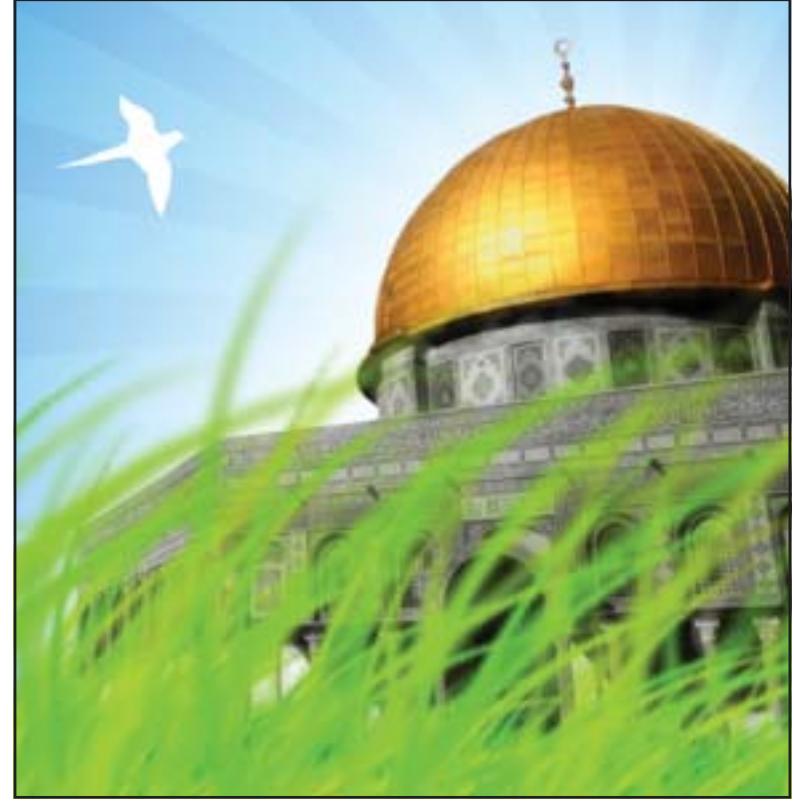
ماجرای روز قدس

• امام خمینی(ره) ۷ ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۶ مرداد سال ۵۸ در پیام سیار مهمی از شهر قم آخرین جمیع ماه رمضان را روز قدس می‌نامند و از عموم مسلمانان می‌خواهند برای کوتاه کردن دست اسراییل در این روز به خیابان‌ها بایند.

• دو روز پس از انتشار پیام امام مسلمانان پاکستان، سوریه، بحیرین، لبنان، اردن، فلسطین و کویت نخستین کشورهایی هستند که از ابتکار حضرت امام استقبال کرده و اعلام می‌کنند هفته آینده در این راهپیمایی شرکت خواهند.

• یک روز مانده به برگزاری اولين راهپیمایی روز قدس امام در جمع اقتشار مختلف مردم روز قدس را روز اسلام نامیدند و دوباره درباره خطر اسرائیل صحبت کردند.

• رادیو اسرائیل که از اقدام امام خلیل راهپیمایی نتیجه گرفتند، موقت هم در راهپیمایی روز قدس رژیم راهپیمایی تراکمی ناجاونمردی می‌نماد...



به بعاهه روز قدس. محک جدی مسلمانی ها فلسطین به ما ربطی دارد؟

[صدقه‌السادات بهشتی] شنیده‌اید این جمله‌ها را، کم هم نبوده که: «مسئله فلسطین به ما چه ربطی دارد؟ ما کلاه خودمان را بچسبیم باد نبرد! اصلا این کارها چیه؟ این یک مسئله داخلی است، یک عده عرب و اسرائیلی با هم مشکل دارند! چرا باید به فلسطینی‌ها کمک کنیم، بایا چرا غایی که به خانه رواست به مسجد حرام است! این‌ها و جملات دیگری که شما شنیدید و ما نشنیدیم. یک گوشه از دنیا یک عده می‌ریزند و مردم را، زن‌ها را، پیشه‌ها را قتل عام می‌کنند، آن یک عده هم خب از ما خیلی دور هستند، یعنی اگر از لحظه طول و عرض جغرافیایی حساب کنیم خدایی هیچ داخلی به ما ندارند، توی کشور ما هم که نیستند، فقط یک وجه مشترک وجود دارد بین ما و آن‌ها، این که آن‌ها آدم هستند و اتفاقاً مسلمان هم هستند، همین دلیل کوچک! باعث شده که ما گاهی به یاد آن‌ها باشیم و تصمیم بگیریم کمک‌شان کنیم. یک روز را به نامشان می‌گذاریم و می‌رومی به خاطر آن‌ها اعتراض می‌کنیم و شعار می‌دهیم. این تنها کاری است که از دست‌مان بر می‌آید.

ماجرای «ما»

می‌کند و سرشان به مای خودشان گرم می‌شود، می‌ریزند توی یک کشور و زندگی می‌کنند. اما یک سری مای دیگر هم وجود دارد که دلایلشان به ترتیب، دلیل قراردادی (مثل ما اعضای گروه فلان)، دلیل ذاتی (مثل ما دخترها، یا ما پسرها) و دلیل آرمانی (مثل ما دوست‌داران یک چیزی) است. که بهترین نوع ما همین آخری است، مایی که هیچ مز و فرهنگ و زبان و قوم و قبیله‌ای را نمی‌شناسد، مایی که بر اساس آرمان مشترک درست شده و به این راحتی ها از بین نمی‌رود، مزها کوچک و بزرگ می‌شوند، فرهنگ‌ها عوض می‌شوند، حکومت‌ها تغیر می‌کنند ولی آرمان‌های انسانی محکم و پا بر جا هستند. انگار احساس می‌کنیم «ما» مان را تنگ کرده‌ایم، آنقدر که خودمان هم توی آن‌جا نمی‌شویم، «ما» مایرانی‌ها و مای ما مسلمان‌ها خیلی بزرگ‌تر از این هاست، راستی ما مسلمان‌ها و ما مسلمان‌های آزاده احساس می‌کنیم اسرائیل پایش را زیادی جلو گذاشته است.

■ مای فرهنگی: این جمع باید از لحظه فرهنگی و آداب و رسوم‌شان مشترکاتی داشته باشد تا بشوند ما.

■ مای جغرافیایی: این جمع باید مزه‌های مشترکی داشته باشند، یعنی همه داخلی یک منطقه مز بندی شده زندگی کنند.

■ مای سیاسی: این ما باید یک حکومت واحد داشته باشند تا احساس ما بودن به آن‌ها دست بدهد. این دلیل‌ها مردم را تبدیل به یک ملت

مسجد ما چراغ ندارد!

و سیاسی هم کشانده شود، کمک به مسلمانی در یک نقطه دور جهان و لو این که حیات و موجودیت آنها در خط‌پاشد، حرام می‌شود. اول انقلاب، قرار بود انقلاب ایران یک انقلاب جهانی باشد، انقلابی که به انقلاب جهانی صالح وصل شود. این فرهنگ اول انقلابی فراموش شد طوری که حالا خیلی بعید نیست که از نسل جدید بشنویم «چرا غایی که به خانه رواست آیا به مسجد حرام نیست؟» و هی یادمان برود که خانه این جای نیست، خانه‌مان را کوچک کرده‌ایم گرسنه بر بالش می‌گذارد حرام است و این نگاه کوچک وقتی در مورد مسائل کلان اجتماعی

مُؤْذِيَوْ، هَلْ W

are u from?

باشد و میتواند این را در مکالمه های روزمره بگوید: **n**

© 2013 Pearson Education, Inc.



در به در دیدگاه مردم جهان نسبت به ایران

گاهی اوقات انسان یک اعمال ناشایستی انجام می‌دهد که مثل آهو در گل و لای فرو می‌رود و این جاست که فقط یک جمله می‌تواند به داد دل شما برسد! «غلط کردم!» آری فقط همین یک جمله می‌تواند کلی آرامت کند! از شما چه پنهان ما برای نوشتن این چند خط بیش از همه عمر این جمله را بانگ برآوردم و در گنبد دوار فریاد زدیم! با توجه به این که کره زمین گردالی طراحی شده و وقتی این جا شب باشد، طرف دیگر گردالی صبح تشریف دارد ما مجبور شدیم سر تسلیم در پرابر طبیعت فوپاریم و برای صحبت با کشورهای مختلف دو شبانه روز بیدار بمانیم! به یاد شعر معروف که می‌گفت: شبا که تو می‌خوابی، تو جیم یکی بیداره! تو خواب خوش می‌بینی، اون تو چت روم بیکاره! شما خیال کردید ما به هر نهه من قمری! (اسم خاص؛ خداوکیلی معناش را خودم هم نمی‌دانم!) پیغام می‌دادیم تا در مورد ایران سوال کنیم! نخیر عزیزم ما ملاک‌های زیادی برای انتخاب سوزه داشتیم که همین ملاک‌ها شکممان را آب کرد و بهاین روزمان انداخت! مثلاً قد، وزن، رنگ، تخم، چشم، دور کمر و بازو و البته خوب تفاهم! به همین خاطر در پیدا کردن نهه قمر مناسب دو شبانه روز وقت صرف نمودیم... حالا دعوتنان می‌کنیم تا با هم گزارش بین‌المللی این هفته را بخوانیم...

شما زیادی مذهبی هستید!

- که گفت آره از قرآن و من هم مسلمانم.
- از طها پرسیدیم ایران را که حتماً می‌شناسی چون همسایه ترکیه است پس بگو نظر تو و طرافیات در مورد ایران چیه؟ از شنیدن نام ایران! چه چیزی به ذهنت می‌رسد؟
- طها که گفت: شما در ایران بیش از اندازه مذهبی مستبد و مردم باید از این حالت خارج شوند!
- وقتی پرسیدیم چرا و چگونه و این حرفها گفت من حرف زیادی ندارم بنز این تنها جمله‌ای بود که در مورد ایران داشتم!
- این حرفی بود که طها آبیرگ زد، حالا فسیر و توضیحش با خودتان!

تکتابخوان و درس خوانی باشد چون با این که بیخ گوش ایران است اما هیچ شخصیت بزرگی را در تاریخ ما نمی‌شناست و بیشتر ملاکشان همکاران و مشتریان است.

■ من ایرانی معروفی نمی‌شناسم اما خیلی از ووستان من در این جا ایرانی هستند و خوب نه را می‌شناسم. همکاران ایرانی من آدمهای خوبی هستند اتفاقاً هر کسی می‌گوید ایرانی‌ها خوب نیستند من می‌گویم برای من که با آن‌ها رخورد دارم آدمهای خوبی هستند.

آدمهای خوب!

نام: Ahmed
کشور: امارات
سن: ۲۸
شغل: فروشنده ور
ساعت(به وقت آن
دین: ۹:۰۰
«احمدالبasha» یک
در دبی بود که به

آمارت را بده رفیق!

موسسه pew یک موسسه آمارگیری بسیار پرتر گ است که هر روز دهها آمار مختلف از اتفاقات و مناسباتی های مختلف متشر می کند. شما هم می توانید با مراجعه به پایگاه اینترنتی این موسسه از آمارگیری های جالب و عظیم آن استفاده کنید و با جستجوی نام ایران تمام آمارهایی که به کشورمان مربوط می شود را پیدا کنید. آمار زیر، مربوط به نظرسنجی حدوداً دو سال پیش این مرکز از ۴۷ کشور دنیا است. طبق این نظرسنجی بنگلادشی ها بهترین دیدگاه و اسرائیلی ها بدترین دیدگاه را به مدارند.

قاره	بہترین دیدگاہ	بہترین دیدگاہ	بہترین دیدگاہ
آریا	آلمان	انگلیس	بریتانیا
اروپا	فرانسہ	%۸۴	%۷۸
		%۸۵	%۷۰
	%۵۷		

بلدترین دیدگاه	بهترین دیدگاه	قاره	...
۸۳۷ روسیه	۸۳۰ چک	اروپای شرقی	
۸۳۸ اوکراین			۹۳٪ موضعه نسبتی فلسطین

سوریه	لبنان	مصر	آردن	ترکیه
%٦٤	*لبنان	%٤٨	*	
عربی		مالي	آفریقا	آفریقای جنوبی
بهترین دیدگاه	بدترین دیدگاه	بهترین دیدگاه	بهترین دیدگاه	بهترین دیدگاه
قاره	قاره	قاره	قاره	قاره
آسیا				

- * مردم ترکیه چندین سال قبل دید ۵۳
- * درصد مثبت نسبت به ایران داشتند!
- * محبویت ایران در مصر ۶۹ درصد
- * بوده اما سقوط کرده!
- * طبق آخرین آمار دید مثبت اندونزی نسبت به ایران ۶۶ درصد و پاکستان به ۶۹ درصد رسیده است!

- جدی؟ ممنون پس خوب ایران می‌شناسی... شخصیت بارزی که از ایران به یاد داری کیه؟
- نه هیچ کس را نمی‌شناسم اولی ما یک کشور قدرتمند اسلامی نیاز داریم! مثل ایران.
- چرا فکر می‌کنی ایران قدرتمند؟ در اخبار چیزی شنیدی؟
- نه همین جوری... می‌شه در مورد یک چیز دیگه صحبت کنیم؟!
- خسته نباشی!
- جالب این جاست در ادامه گفتگوی نامتعارف بین ما و آنسا، وی مدام تکرار می‌کرد چرا در ایران تا این اندازه دخترها آزادند؟ شما زیادی آزادید!

ما به ایران افتخار می‌کنیم!

ام: Anas abadi
یمن: کشور: ۲۵ سن:

- دهد انگلستان برای تحریم بیشتر ایران آماده است! (پس یحتمل طرف انگلیسی است!)
- یعنی از ایران فقط به عنوان یک خطر هسته ای شناخت داری؟
- نه اما اصلی ترین شناختمن همین است!
- بعد از این در ایران پرورش تروریست صورت ممی گیرد! (همچین می گوید پرورش تروریست که نگار پرورش شترمغ است.)
- این اطلاعات را از کجا می آوری؟
- این حرف های همه جهانیان است. اتحادیه اروپا دوم مارچ ۲۰۰۸ سومین پرونده تحریم ایران را به خاطر تسلیحات اتمی امضا کرد!
- پس این تحریم ها برای شما یک نوع نشان از تروریستی بودن ماست؟
- باله... چه دلیلی محکم تر از این؟!

بیرونیش تروییست در ایران!

نام: porez
 کشور:؟؟
 سن:؟؟
 شغل:؟؟
 ساعت(به وقت:؟؟
 دیگر:؟؟

دین؟
این بنده خدا که ملاحظه می فرمایید خط خطی
است و هیچ اطلاعاتی نداریم. حاضر نشد حتی
بها مانگوید مال کدام قاره است و کجا زندگی
می کند چه برسد به سن و شغل و ...
■ از ایران چه ذهنیتی داری؟
■ به زودی تسلیحات هسته‌ای ایران توسط
سرائیل بمباران می شود و اگر به این روند ادامه

iran know ایران؟!

Hi...where

نوان یک سربلندی و فخر بگویی کجایی هست! که باید نگه داریم و به گوش دنیای نو برسانیم...

I'm from Ira

- کشورهای مختلف جهان چه معنایی دارد که برایم جالب بود ایران یعنی «دخلت شرمنگین»!
- آره درسته... راستی بعضی‌ها می‌گویند زنان در ایران طرد شده‌اند، تو موافقی؟
- طردشده؟ واپس زده؟ من می‌گم کتک خورده!
- خورده! من می‌گم محکوم شده... ما این‌ها را می‌بینیم، ما می‌خوانیم و ما می‌فهمیم...
- واقعاً فکر می‌کنی این طوری باشد؟
- آره! اما باید بگم به اعتقاد من زنان ایرانی، زرنگ‌ترین و باهوش‌ترین زنان دنیا هستند!
- زانت می‌گفت ما به رسانه‌های خبری این‌جا اصلاً اعتماد نداریم... ما با مردم صحبت می‌کنیم تا بفهمیم!

زنان کتک خورده و محکوم‌اند!

نام: junet

کشور: ؟؟

سن: ٤٠

شغل: نویسنده

ساعت(به وقت آن جا): ١٢

دین: مسیحی

- زانت یک زن اروپایی بود که حاضر نشد شغل و کشورش را به ما بگوید! از ژانت پرسیدیم از ایرانیان چه می‌دانی؟ می‌دانی «ایران» یعنی چه؟
- آره اتفاقاً جایی مطالعه می‌کردم که نام‌های

این‌که گفتم پنهان جان قربون آن دک و پوزت شویم نظرت در مورد ایران چیست برادر؟ یک دفعه مثل گاوی که پارچه قرمز دیده شروع کرد به فحش دادن به زیر ویالای ایرانی! از شما چه پنهان ما هم آی دی طرف را دادیم به بروججه‌ها گفتم حالت را بگیرید تا بفهمد با کی طرفه! یکی نیست بگوید مرد گنده تو آن طرف کره زمینی ما این طرف، چه کارت کردیم که این طوری حرف می‌زنی! ببینید خلاصه به خاطر شما ما چه فحش‌هایی که نشنیدیم!

بیب!

نام: pete

کشور: آمریکا

سن: ٤٧

شغل:

ساعت(به وقت آن جا): ١٠

دین: ؟!

- پنهان فریدریک از ایالت دوکوتای جنوبی اول صحبت خیلی خوب و منطقی ادامه می‌داد تا

من با آمریکایی‌ها مخالفم!

- شما در مورد اتفاقات سیاسی این روزهای ایران چه می‌دانید؟
- مردم آمریکا معتقد‌اند باید در مسائل ایران دخالت کرد اما به نظر من اشتباهه!
- چرا اشتباهه جان؟
- ببینید در سال ۲۰۰۰ میلادی در انتخابات آمریکا بوش والگور دو نامزد بودند و انتخابات بسیار نزدیک دنبال می‌شد که بالآخره برادر بوش که غول بزرگ سیاست مداران ایالت فلوریداست اعلام کرد بوش رئیس جمهور آمریکاست! بعد از آن با وجود نارضایتی‌ها مردم ما به زندگی معمولی ادامه دادند چون با این کنار آمدیم که فعلاً مجبوریم با بوش بسازیم!
- خوب با این جوابت یک جورهایی کشور ایران و آمریکا را با هم مقایسه کردی! فکر نمی‌کنی مردم ایران و آمریکا و طرز اداره این دو کشور خیلی متفاوته؟
- نه به نظر من ایران و آمریکا هردو، کشورهای به شدت مذهبی هستند و خیلی عجیب!
- از ایران هم چیزی می‌دانی؟ تاریخ ایران؟
- ایران یک کشور به شدت فرهنگی و پیشرفت‌هست!
- جان بالآخره نتوانست همسرش را شکست دهد و از ما خدا حافظی کرد تا احتمالاً کهنه بچه‌اش را بشوید!

نام: john

کشور: آمریکا

سن: ٤٠

شغل: وکیل

ساعت(به وقت آن جا): ٨

دین: مسیحی

- سعی کردیم در سوژه‌ها از همه سنین و صنف‌ها و ادیان انتخاب کنیم تا به عنوان نماینده قشر خودش در نظرستجوی ما شرکت کند! هر چند این کار به شدت اشتباه است و هیچ مقیاس صحیحی ندارد اما... جان یک وکیل در شهر کوچک میشیکان بود که قبل از صرف صبحانه با ما صحبت کرد. از شما چه پنهان خانم جان هم هی داد می‌زد جان بیا صبحانه امروز خریدم باید برقی! جان اولین سوالی که از ما پرسید وقتی فهمید ایرانی هستیم این بود: شما در امان هستید از ناآرامی‌ها؟ انتخابات به نظر شما عادلانه بود؟! فضایی که جان از ناآرامی‌ها در ذهنش بود حسابی پرتشنج‌تر و گسترده‌تر از واقعیت بود! از طرفی هم می‌شود در یک نتیجه کلی گفت از هر کسی پرسیدیم از ایران چه می‌دانید از مسائل اخیر گفت! از جان پرسیدیم:

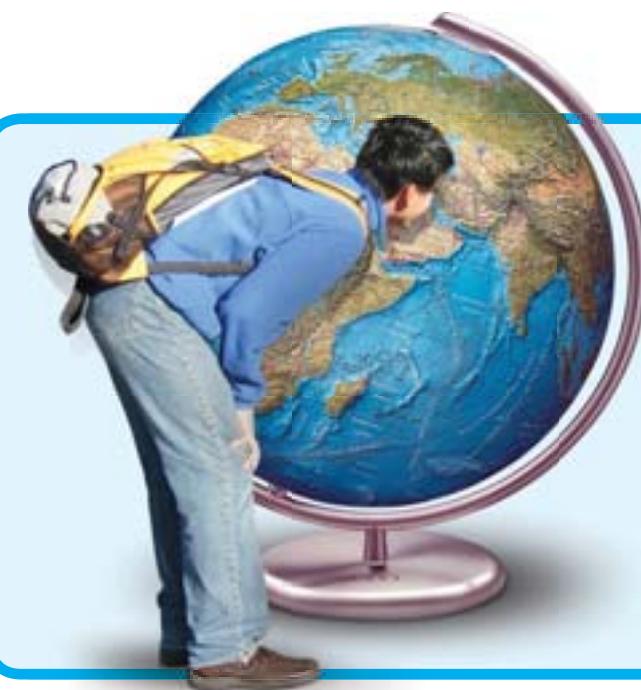


زندگی برای زنان سخت است!

کله (اگر تلفظ اسمش را اشتباه نکنم!) گفت:
«در ایران با زن‌ها اصلاً خوب بخورد نمی‌شود
و هیچ جا نظرشان حساب نمی‌شود و احساس
می‌کنم در کشور شما زنان ها طرد شده‌اند!»
وقتی پرسیدیم این اطلاعات از کجا گفت:
«این تنها چیزی است که از رسانه‌ها شنیدم! هر
چند زیاد به رسانه‌ها باید اعتماد کرد.»

ما هم پیش خودمان گفتم رسانه‌های ملی شما هم تعطیل است! این همه خبر و بگیر و بند و هسته‌ای و پسته‌ای و... همین یک جمله را در مورد ایران گفته؟!
کله (اگر تلفظ اسمش را اشتباه نکنم!) گفت:
«در ایران با زن‌ها اصلاً خوب بخورد نمی‌شود
و هیچ جا نظرشان حساب نمی‌شود و احساس
می‌کنم در کشور شما زنان ها طرد شده‌اند!»
وقتی پرسیدیم این اطلاعات از کجا گفت:
«این تنها چیزی است که از رسانه‌ها شنیدم! هر
چند زیاد به رسانه‌ها باید اعتماد کرد.»

ما هم پیش خودمان گفتم رسانه‌های ملی شما هم تعطیل است! این همه خبر و بگیر و بند و هسته‌ای و پسته‌ای و... همین یک جمله را در مورد ایران گفته؟!
کله (اگر تلفظ اسمش را اشتباه نکنم!) گفت:
«در ایران با زن‌ها اصلاً خوب بخورد نمی‌شود
و هیچ جا نظرشان حساب نمی‌شود و احساس
می‌کنم در کشور شما زنان ها طرد شده‌اند!»
وقتی پرسیدیم این اطلاعات از کجا گفت:
«این تنها چیزی است که از رسانه‌ها شنیدم! هر
چند زیاد به رسانه‌ها باید اعتماد کرد.»



جفا به هزاران سال تاریخ و تمدن

این چند نفر افرادی بودند که هلوی ما را لیک گفتند و جواب دادند و حداقل نامی از ایران شنیده بودند! باور کنید خیلی‌ها نام ایران هم نشینیده بودند و خیال می‌کردند ایران همان عراق است! بعضی‌ها می‌گفتند خوش مزه است و چند نفری هم حاضر نمی‌شدند با ما صحبت کنند. فکر ش را بکنید آن همه تمدن و فرهنگ کجا رفت؟ وقتی که عرب‌ها و اروپای عقب مانده (آن زمانها که متوجه آمریکایی‌ها شدند) هنوز مثلاً به کاسه معمولی با تعجب نگاه می‌کردند و به عنوان سروپیس بهداشتی از آن استفاده می‌کردند در ایران کاسه‌های نقره کوب ساخته می‌شد و نقش‌های طلا بر کاسه‌ها می‌زدند و جالب این جاست اولین اینیشان تاریخ جهان را ایرانیان روی کاسه می‌سازند! زمانی که در تمام دنیا اجنباسی که روی آن حک شده بود «ساخت تووس» و «ساخت پارس» گران‌تر بودا زمانی که اولین منشور حقوق بشر را کوروش نوشت و دورانی که از چین تا ایتالیا خاک ایران بود... من و شما رسانه‌هایی هستیم که دنیا به ما اعتماد می‌کند! بچه‌ها باید کنار تمام سایتها و چت روم‌هایی که می‌روم برای خوش‌گذرانی، گاهی از این خجالت بکشیم. داد بزینم تویی که سیصد را ساختی تا به سر ما بگویی، امروز ما چند هزار سال تمدن و تاریخ را به سرت می‌کوییم!

روز شعر یا شب شعر؟!

[اعلم عامل نیک]

تفویم ما هنوز خیلی جاهای خالی دارد، جاهایی که می‌شود با اسم‌های بزرگ پر شوند فقط کافی است تعطیل نباشد تا مشکلی پیش نیاید. یکی از این روزها هم مال روز شعر و ادب فارسی است. اسم بزرگی که انگار هیچ شاعری به جزء جناب شهریار تاب تحمل اسمش را نداشت. شب شعر را که همه اهالی شعر و ادبیات در جریانش هستند. شب و شمع و شعر و شیرینی، ولی روزش جدید است، چند سالی می‌شود که روز شعر و ادب هم تقویم رزو کرده و جایی دارد، بهانه‌اش مثل بهانه خیلی چیزها یادآوری است. یادآوری شعر برای مردمی که شب‌های شان را با شعرهای «شاهنامه فردوسی» سحر می‌کردن و روزهای شان را با تفائل به حافظ شروع می‌کرند. در میان شاعرها و فعالان ادبی بیشترین انتخاب گزینه فردوسی بود. از معاصران هم بعضی سعدی، مولانا، نظامی و روکی که توی انتخاب‌های بعدی بود. از معاصران هم بعضی به «نیما یوشیج» و افرادی دیگر اشاره می‌کرند. بعضی‌ها هم معتقد بودند این روز به نام شاعر خاصی نباشد. انتخاب روز شعر توی ایران مثل انتخاب مبصر از طرف معلم کلاس بود، انتخاب سلیقه‌ای شاعری که باید روز شعر به نامش باشد و نظرستجو نکردن از شاعرها و مردمی که روز شعر مال حسن و حال آن‌هاست باعث شد مردم نسبت به روز شعر و احساس مالکیتی که باید به آن داشته باشند بی‌تفاوت شوند. اصلاً می‌شود برویم سراغ آدم‌های مختلف و پرسیم می‌دانند روز شعر کی است و روز چه شاعری است؟



● سی و چند ساله به نظر می‌رسد و یک کیف چرمی گرفته زیر بغلش جلوی کتاب فروشی ایستاده، می‌روم جلو و می‌پرسم، تا حالا شب شعر رفته‌ای؟ آره توی دوران دانشگاه پچه‌های ادبیات دانشگاه شب شعر برگزار می‌کرند و با این که من رشته‌ام ریاضی بود، عاشق شعر بودم، شب شعر هم می‌رفتم. حالا البته چند سالی از آن زمان می‌گذرد و مدت‌هast که سراغ شعر نرفته‌ام، اصلاً همین الان که شما گفتیم به این فکر افتادم که چرا این همه مدت می‌گذرد و من شعر نخوانده‌ام البته به جز حافظی که شب‌های یلدا و روزهای عید می‌خوانیم. می‌گوییم پس لابد نمی‌دانی روز شعر هم کی است؟ می‌گویید روز شعر یا شب شعر؟!

● دست یک بچه را گرفته توی دستش و یک نایلون کتاب هم آن دستش است می‌پرسم بین کتاب‌هایی که خریده‌ای کتاب شعر هم پیدا می‌شود؟ می‌گویید نه کتاب شعر را بیشتر کادو می‌گیرم، دوستانم برای تولدم یا به مناسبت‌های مختلف برایم خریده‌اند. می‌گوییم از چه شاعرها بی شعر می‌خوانی؟ می‌گوید: حافظ و مولانا، سعدی هم گاهی. می‌گوییم پس شاعر جدیده را نمی‌شناسی؟ سریع می‌گوید: چرا، چرا، سهراب را هم می‌خوانم ولی جدیدتر نه متسافنه. می‌دانی یک روز به اسم روز شعر داریم؟ می‌گوید! چه قدر خوب، توی این روز چه کار می‌کنند، شاعرها را معرفی می‌کنند!

● دو تا دختر جوان هستند که بعداً می‌فهمم دانشجو رشته مهندسی کشاورزی‌اند. می‌پرسم که چه قدر اهل شعر و شاعری هستند؟ یکی شان که ظاهرا ادعای شعر و ادب دارد شروع می‌کند که: من وقتی حالم خیلی خوب است یا خیلی بد است شعر می‌خوانم. آن یکی می‌گوید هر وقت برایم یک شعر اس اس کنند می‌خوانمش و سه راب سپهیری شعر می‌خوانم. می‌گوییم به جز سه راب به کدام شاعر ارادت دارید؟ که معاصر هم باشد: همانی که ادعای شعرش می‌شود می‌گوید خیلی شاعرهاشی جدید را نمی‌شناسم البته به جز نیما. بقیه شاعرها بی که به آنها ارادت دارم حافظ و مولانا هستند. می‌پرسم اگر قرار باشد یک روز را به اسم روز شعر بگذارند شما با روز چه شاعری موافقید: اولش کلی مکث می‌کند و بعد می‌گوید به اسم شاعر خاصی نباشد بهتر است، خب سلیقه‌ای می‌شود.

● سن و سالش بین ۵۰ تا ۶۰ ساله نشانش می‌دهد، روی نیمکتی توی پارک نشسته و سرش توی روزنامه است، می‌روم جلو و می‌پرسم مطالعاتش فقط خبری است یا شعر هم می‌خواند که شروع می‌کند به: به نام خداوند جان و خرد کریم برتر اندیشه بر نگلارده» و می‌گوید ماما شب‌های باند زمستان که مثل شماها تلوزیون نداشتم به شاهنامه‌خوانی عادت داریم. می‌گوید عاشق حافظ هم است و یکی از شعرهایش را می‌خواند، با خیام و عاشقانه‌هایش هم خوب ارتباط برقرار کرده. می‌پرسم می‌داند یک روز به نام شعر نامگذاری کرده‌اند، می‌گوید: خب از این اسم‌گذاری‌ها که چیزی در نمی‌اید ولی بهتر از هیچ چیز است. ولی وقتی می‌فهمد این روز به نام شهریار است می‌گوید: خب البته من به جناب شهریار هم ارادت دارم ولی می‌شد...

کودک که بودیم چه دلهای بزرگی داشتیم،
اکنون که بزرگیم چه دلتانگیم!

تردید نکن سپیده سرخواهد زد
خواب از سرمان دوباره پرخواهد زد
تردید نکن کسی ز نسل خورشید
بر ریشه خشک شب تبرخواهد زد
دستان سحر به استخاره روزی
تسیبی به قصد خیر و شر خواهد زد
طوفان زدهایم و ناخدایی از نو
درموج بلا دل به خطر خواهد زد
بازوی عدالتی دگر می‌آید
تیپا به بساط زور و زر خواهد زد
یک روز اراده بشر زنجیری
بر پای همین قضا قادر خواهد زد

وقتی که هیچ چیز نداری
وقتی که دست‌هایت
ویرانه‌هایی هستند
بی هیچ انتظاری
حتی بی هیچ حسرتی
دیگر چه بیم آنکه تو را آفتاب و ماه
نشوازند؟
وقتی میعادی نباشد رفتن چرا؟
دکتر شریعتی

سایه شوی
در این همه سال که سایه داشته‌ام سایه‌ام
را نشسته‌ام، من. فکر کردم خیلی چرک
و کثیف شده برای همین امروز از روی
دیواری که بهش تکیه داده بود جداش کردم
و قاطی بقیه رخت چرک‌ها گذاشتیش در
تشت طرفشویی. صابون مایع و سفید
کننده و این چیزها ریختم و گذاشم خس
بخورد، ساعت‌ها بعد از چالاندن پهنهش
کردم تا خشک بشود. سایه اگر آب برود
خیلی جالب است، جدا نگاهش کنید چه
جوری کوچکتر شده از خود من.

شل سیلور استاین
روح‌های بزرگ را از دو جا می‌توان
شناخت! یکی از نیاز بیشترشان و یکی از
دردهای بیشترشان!

آن که مرا می‌پروراند و به اوج می‌رساند،
همان مرا تخریب می‌کند!



فروشگاه بزرگ ایران

اعتنی سفید - بیرونی سفید - صورتی

فروش فوق العاده از ۱۶/۱/۲۰۲۳ تا ۱۷/۱/۲۰۲۳

۱- چادر مشترک ۷ متری مشترک تو از چادری زاین ۴۰ متر ۱۱۰۰ تومان
۲- چادری تابستانه بزرگ بیک میلیونی غریب فروخته بیک، خوبی زیستی نار نهاده قیمتی ایشان
لتوان غریب میلیونی و خوبی نیزه ایشان در طرح دار شمعون طری ۱۰۰۰ تومان
۳- چادر اسپرتی مکانی شاتلون- مکانیون- کن داکن- ترکال- ایلیس- شاتلون کوییم
کوب قوار - قده ۱۵۰ غرفه در هدفها رنگ ملزی ۳۰۰ تومان
۴- قاسنوسی جامد- مطیور- مقدم- لریبوش و لتوان لاستیکی خارجی درجه دن
کد شلوار - شلوار تک - بیرونی - ملاقه ای ۱ متر غرف
۵- نیایندگی و مرکز پخش پتو- گلیسان- و سیمیرخ

مشهد، غیابان غولیه ربیع، پهلوی راه گاز - مدیریت فریمان تلفن: ۰۳۳۹۳۳۳-۰۳۳۲۹۸۸

سینمای همه

صد و اندي سال از تولد سينما گذشته و در حال حاضر به يكى از شئون لايتفک زندگى مدرن تبديل شده است ولی واقعاً اعجاز سينما و دليل همه گير بودنش چيست و آيا اصولاً سينما و فيلم پدیدههای مفیدی هستند یا نه؟

■ يكى از دلایلی که همه فيلم نگاه می‌کنند اين است که آدمهای امروزی كمتر از قدیمیها فرصت مطالعه دارند. خب البتہ اين را هم باید بگويم که اگر فرصت مطالعه به وجود بیاید هنوز هم خیلی از ما ترجیح می‌دهیم کتاب را بخوانیم چون به هر حال فيلم برداشت يك شخص از محتوای آن کتاب است حال آن که ممکن است من برداشتی مقاومت از آن کتاب داشته باشم. (این نکته در مورد فيلم‌های اقتباسی از کتاب‌های مشهور مصادق پیدا می‌کند) مثلاً شخص بنده هنوز فرصت نکرده‌ام کتاب «دوا» را مطالعه نکنم و با توجه به حجم کتاب ترجیح می‌دهم منتظر بمانم تا فيلم خانم «تهمینه میلانی» را که دارد از روی آن می‌سازد بینم بعد اگر خیلی جذب کرد وقت جداگانه‌ای را به مطالعه آن اختصاص خواهم داد. پس يكى از دلایل همه گير بودن فيلم و سينما سرعت آن در انتقال پیام است.

■ هریک از ماتنهای يك بار زندگی می‌کنیم و در آن زندگی شغل مشخص و تحصیلات معینی را اختیار می‌کنیم و انتخاب‌های خودمان را می‌کنیم و سرانجام زندگی‌مان به پایان می‌رسد. سینما امکان آشنایی با انواع و اقسام زندگی‌ها را برای ما فراهم می‌کند. ما از طریق این پدیده با زندگی يك دکتر، يك پلیس، يك دانشجو، يك موجود فضایی و... آشنا می‌شویم و با آن‌ها همذات پنداشی می‌کنیم. در واقع فيلم به صورت مجازی به ما تجربیاتی را منتقل می‌کند که در زندگی طبیعی هرگز امکان دستیابی به آن‌ها برای ما امکان پذیر نیست.

■ يكى دیگر از فواید فيلم دیدن آشنایی با فرهنگ و تاریخ ملل مختلف است. من بدون این که پایم را از سرزمین بیرون بگذارم از طریق همین فيلم‌هایی که دیدام با بسیاری از هنرگاه‌های موجود در فرهنگ فرانسه، ایتالیا، تا حدودی اسپانیا، زاپن و غیره آشنا هستم. طرز لباس پوشیدن، ارزش‌های موجود در جامعه، امکانات اجتماعی و... همه از طریق فيلم‌ها به ما منتقل می‌شود. این رسالت سینما بیش از همه در فيلم‌های اجتماعی و خانوادگی قابل مشاهده است. البتہ طبیعتاً نمی‌توان به محظای فيلم‌ها به طور کامل تکیه کرد چراکه در سینما چیزی به نام عناصر درام وجود دارد که باعث می‌شود از خیلی جهات مطبق بر واقع نباشد. همین الان فيلم‌های امروز سینمای خودمان تا چه حد به فرهنگ خود ما زندیک است؟

البته اگر با زبان سینما آشنا باشید می‌توانید به راحتی زواید آن را حذف کنید و اطلاعات صحیح را از آن جذب کنید. به هر حال این نکته در مورد فيلم‌های تاریخی از همه بیشتر خطرآفرین است چراکه برای جذاب شدن قصه بخش‌هایی از آن تعریف می‌شود. پس زیاد به فيلم‌های تاریخی استناد نکنید.



نگاهی به پیشنه سینمای ایران در اسکار

۱۳۵۶ | اولین حضور سینمای ایران با فيلم «داریه مینا» ساخته «داریوش مهرجویی» توقیفی برای سینمای ایران حاصل نکرد.

۱۳۵۷ | فيلم سینمایی «باد صبا» ساخته «آلبر لاموریس» به عنوان نماینده ایران راهی آکادمی اسکار شد.

۱۳۷۳ | با پیروزی انقلاب اسلامی، سینمای ایران تا ۱۶ سال نماینده ای با اسکار معرفی نکرد تا این که فيلم «زیر درختان زیتون» ساخته عباس کیارستمی به عنوان نماینده ایران به آکادمی اسکار معرفی شد، اما پیش از رسیدن به مرحله نهایی رقابت، از حضور در مراحل اولیه بازماند.

۱۳۷۴ | «بادکنک سفید» ساخته جعفر پناهی چهارمین حضور ایران در مراسم اسکار بود.

۱۳۷۵ | سینمای ایران در این سال هیچ فيلمی را به اسکار معرفی نکرد.

۱۳۷۶ | فيلم «گبه» ساخته محسن مخملباف در این سال راهی اسکار شد.

۱۳۷۷ | در این سال پرهیاهوترين حضور يك فيلم‌ساز ایرانی در این جشنواره بین‌المللی رقم خورد؛ سالی که فيلم موفق «بچه‌های آسمان» اثر تحسین برانگیز مجید مجیدی به اسکار رفت و برای اولین بار نامزدی بهترین فيلم خارجی زبان را برای کشورمان به ارمغان آورد ولی در رقابت با «زنگی زیاست» ساخته «روپرتو بنیانی» ناکام ماند.

۱۳۷۸ | تجربه موفق حضور مجیدی در اسکار سال قبل باعث شد هیئت انتخاب ایرانی فيلم بعدی او یعنی «رنگ خدا» را شایسته انتخاب بداند که این فيلم هم به جمع نامزدی‌های پایانی راه نیافت.

۱۳۷۹ | «زمانی برای مستی اسبها» ساخته «بهمن قبادی» به عنوان نماینده ایران به اسکار معرفی شد.

۱۳۸۰ | فيلم «باران» که پنجمین اثر مجیدی بود، در حالی به عنوان نماینده ایران به اسکار رفت که متقاضین ایرانی هم آن را اثر مقبولی نمی‌دانستند.

۱۳۸۱ | صدراعالمی که چندین دوره عضو هیئت انتخاب اسکار ایران بود تصمیم گرفت با «من ترانه ۱۵ سال دارم» به اسکار برود.

۱۳۸۲ | «نفس عمیق» ساخته تحسین برانگیز پرویز شهربازی، فيلمی بود که از بین چندین کاندیدای دیگر از سینمای ایران به اسکار ۲۰۰۴ معرفی شد.

۱۳۸۳ | بهمن قبادی با فيلم جدیدش «لاک پشت‌ها هم پرواز می‌کنند» در این سال به اسکار رفت.

۱۳۸۴ | در حالی «خیلی دور، خیلی نزدیک» ساخته «رضا میرکریمی» به عنوان دوازدهمین نماینده ایران به اسکار رفت که رقبای قدرتمدی مانند «بید مجنون» مجیدی برای رسیدن به مراسم با آن رقابت می‌کردند.

۱۳۸۵ | «کافه ترانزیت» که در جشنواره فجر نامزد دریافت جایزه و برنده دو سیمغ بلورین شده بود و تحسین داوران جشنواره‌های مختلفی چون تورنتو، نیویورک، شیکاگو، تساسنیکی و رویدو-تایرو را نیز جلب کرده بود نماینده سینمای کشورمان در اسکار بود. در همین سال بهمن قبادی فيلم «نیو هانگ» را به عنوان نماینده عراق به اسکار ۲۰۰۷ معرفی کرد.

۱۳۸۶ | «میم» مثل مادر» در این سال راهی اسکار شد در حالی که تا واپسین لحظات حدس و گمان‌ها «زمستان است» و «خون بازی» را شناسن اصلی حضور در اسکار می‌دانستند.

۱۳۸۷ | «آواز گنجشکها» به اسکار معرفی شد و طی يك اعلام رسمي از فهرست برگزیدگان برای حضور در مراسم اسکار خارج شد و به این ترتیب مراسم اسکار سال ۲۰۰۹ در چون به پایان رسید که فيلم‌های ایرانی در طول بیش از سه دهه، به جز یك مورد حتی به مرحله نامزدی هم نرسیده‌اند.

کدام فيلم‌های ایرانی باید به اسکار بروند؟
آیا ساقه این حضور در خشان بوده است؟

تب و تاب حضور در مراسم اسکار

[اعلیٰ نیک فرجم] این روزها تمام مطبوعات و فيلم‌سازان دنبال این سوژه خبری هستند که کدام فيلم ایرانی به اسکار راه پیدا می‌کند. حالاً این سطح بعضی دوستانه هم اعتراض می‌کنند که چرا با وجود این همه جشنواره مهم سینمایی که فيلم‌های ایرانی در آن‌ها مقام و رتبه آورند، شما گیردادهایی به جشنواره‌ای مثل اسکار که نه با کشور متولی آن رابطه حسنای داریم و نه از فيلم‌ها یا خوشمان می‌آید؟ ما هم همین ابتدای کار از همه دوستانی که از سینمای هالیوود متفرق هستند عذر می‌خواهیم و به آن‌ها توصیه می‌کنیم در طول مدتی که سایر علاوه‌مندان به سینما مشغول مطالعه «قاب جادویی» هستند این دوستان می‌توانند از پانزده صفحه دیگر جیم لذت ببرید.

امسال کدام فيلم؟ جواب ساده است

به عنوان مثال چندی پیش خبرگزاری «ایستا» در حالی که به زمان معرفی فيلم‌های ساخت کشورهای غیرانگلیسی زبان به جشنواره آکادمی هنر و علوم سینمایی (اسکار) نزدیک می‌شوند بحث‌ها بر سر این که فيلم ایرانی موردنظر باید دارای چه شرایطی باشد حسایی داغ شده است. در این میان عداء از بزرگان سینمایی کشور بطور واضح مشخص از رأی و نظر خود درباره این سوژه صحبت می‌کنند و با توجه اسکار عرضی شود، فيلم «درباره‌الی» اصغر فرهادی است. چراکه «درباره‌الی» با حضورهای موفق جهانی مانند جشنواره‌های فیلم «ونیز»، «ملبورن»، «تربیکا» و «لندن» می‌توانند نماینده شایسته‌ای برای سینمای ایران در مراسم اسکار ۲۰۱۰ کدام فيلم است.

نظرات اسکاری

على رغم نظر نه چندان مثبت جناب ضرغامی درباره جشنواره اسکار گروه موافقی نیز وجود دارند که اغلب از اعضای هیئت مدیره خانه سینما به شمار می‌روند. این افراد به اضافه تعدادی از متقاضان، حضور نماینده ایران در اسکار فیلم خارجی را مثبت ارزیابی می‌کنند و آن را برای معرفی شود، فيلم «درباره‌الی» بازداری لازم می‌دانند، اقلامی امروز پیدا نمی‌شود که منکر تاثیر بمثب تبلیغاتی عظیمی مانند «مراسم اسکار» در شناساندن محصول بازار جهانی لازم می‌دانند، اقلامی امروز پیدا نمی‌شود که منکر تاثیر بمثب تبلیغاتی عظیمی همیزی یک کشور به جهان باشد، کما این که ما وزارت ارشاد بودم به دلیل این که معتقد بودم فضای صهیونیستی در اسکار وجود دارد و همچنین به دلیل تصویب کمک ۲۰ میلیون دلاری این آمریکا به ضد انتقال، مواقت نکردم که فیلمی از ایران در این رویداد شرکت کند.

چه فيلمی باید به اسکار برود

تا به امروز نظرات متفاوتی پیرامون فيلم‌های مورد توجه در اسکار ابراز شده است. برخی اعتماد دارند که فيلم‌هایی در اسکار موفق تر هستند که شاخصه‌های فرهنگی امروزی آن خودش را باشند. بعضی دیگر علاوه بر شاخصه پیشین اعتقاد براین دارند که اگر فیلمی از پخش جهانی مناسب، مخصوصاً در آمریکا در بخود دارند. در حالی که انتخاب و معرفی فيلم برای اسکار نیازمند کار کارشناسی است. حالاً در این جریان پیچیده وجود یک فیلمی باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال «علی معلم»، تهیه‌کننده سینما عقیده دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند یک سنجش از زوایای مختلف حضور بین‌المللی فیلم‌های است. از نظر خود دارد که سلسله مراتب معرفی فيلم به اسکار نیازمند باشد، شناسن اسپار زیادی دارد. در حال حاضر بنا بر روال سال‌های قبل بنیاد سینمایی فارابی به همراه تعدادی از کارشناسان در این باره تص

درمانی به نام فیلم!

و شیوه جدیدی بود که روانشناسان برای درمان بعضی از ترس‌ها، استرس‌ها، ناهنجاری‌ها و حتی آموزش و بهبود روابط بین فردی استفاده کردند. در فیلم درمانی که حتماً باید با تشخیص روانشناس و توصیه او باشد درمانگر پس از مشخص کردن نوع مشکلی که مراجعت کننده از آن رنج می‌برد برای آموزش بعضی از مهارت‌ها یا نشان‌دادن بعضی از موقعیت‌های واقعی زندگی و تعریف بعضی از نقش‌ها و همچنین برای بازسازی شخصیت فرد بیمار، فیلم خاصی را پیشنهاد می‌کند فیلم‌هایی که مراجعان را به شخصیت‌ها و طرح داستان بربط می‌دهد و یک رشته الگو را برای فرد نمایش می‌دهد طوری که بیمار با دیدن فیلم جرات لازم برای مقابله با مشکلات خود و بهبود خود را پیدا می‌کند او با دیدن فیلم راه حل‌های جدید برای مشکلات قدیمی خود پیدا می‌کند فیلم‌ها به آدم‌ها امید می‌دهند که در زمینه مشکل‌شان تنها نیستند و دیگران هم همین مشکلات را دارند و می‌توانند بر آن غلبه کنند.

توی این دنیا که ملت خودشان را به هر دری می‌زنند تا مهارت‌های مختلف زندگی را بیاد بگیرند یا از دست خیلی از فشارها و مشکلات روانی نجات پیدا کنند تا خوب زندگی کنند و باز خیلی ها هم دارند خودشان را می‌کشند تا به روش‌های مختلف این مهارت‌ها را آموزش دهند یا خیلی از آسیب‌ها را درمان کنند روانشناسان از تغیریخی به نام فیلم استفاده کردن تا ثابت کنند هر هنری با استفاده درست، کلی هم فایده دارد مثل همین فیلم و تمایش آن در کنار همه اثرات روانی منفی زیاد فیلم دیدن. آن هم فیلم‌های بد!

روانشناسان معتقدند درست فیلم دیدن و خوب فیلم دیدن می‌تواند اثرات مثبتی هم روی روان آدم‌ها داشته باشد تا جایی که حتی برای درمان بعضی از مشکلات و آسیب‌های روانی می‌توان از آن استفاده کرد! در عصری که سرعت حرف اول را می‌زند و وقت از طلا ارزشمندتر است دیدن فیلم در اوقات فراغت اتفاق خوبی بود که بعد از استفاده بعضی از روانشناسان در درمان بیماری‌های شان از کتاب یا شعر افتاد

خوب بینید!

اگر می‌خواهید اثرات مثبت فیلم به اثرات منفی آن بچرید و بیشتر روح‌تان را شاد کند چند پیشنهاد داریم:

* سعی کنید فیلم را دسته جمعی ببینید و درباره آن با هم صحبت کنید این طوری می‌توانید رفتار و کردار شخصیت‌های فیلم را تحلیل کنید که اگر ناخواسته برداشت‌های شما از صحنه‌های مختلف اشتباه بوده است آن را تصحیح کنید.

* سعی کنید نقد و بررسی فیلم‌ها را بخوانید تا اهداف کارگردان از ساخت فیلم را متوجه شوید این طوری بهتر می‌توانید از فیلم

چیزی یاد بگیرید تا این که ئاتسکانس ببینید و بخندید یا اشک بریزید.

* وقتی فیلم می‌بینید سعی کنید احساسات خود را بیان کنید و نگذارید برداشت‌های شما به نابهنجار ذهن‌تان راه پیدا کند که بعدها یک‌هو سر از خودآگاه درآورد.

* سعی کنید خودتان را در نقشی بگذرانید که با شما هم‌خوانی دارد و نزدیک است. در عوض به

شوند. داستان بعضی فیلم‌نامه‌ها گاهی مانند کلاس درس خیلی از چیزها را به مخاطب آموزش می‌دهند. از آموزش مهارت‌های فردی در چارچوب خانواده تا حضور در اجتماع و مهارت‌های جمعی که زندگی سالمی را برای فرد ایجاد می‌کند.

خدایی اگر نخواهیم یک طرفه به قاضی برویم توی این همه فیلم که هر روز و یا شاید هم هر ساعت در این کره خاکی تولید می‌شوند هستند فیلم‌هایی که خوب ساخته می‌شوند و چیزهای خوبی را هم منتقل می‌کنند و حتی اثرات مثبتی را هم بر روی مخاطب دارند اگر شما یک فیلم خوب بینید اثراتی دارد که ۱۰۰ تا نسخه هم نمی‌تواند به آن اندازه تاثیرگذار باشد:

الگوده‌ی: شاید مهم‌ترین تاثیر مثبت فیلم‌های خوب (خودتان بهتر می‌دانید چه فیلم‌هایی البته شناخت خوبی‌ها هم بر روی مخاطب تاثیرگذاری از فیلم است که این هم به خاطر همان ممزد پناری شدید ما با شخصیت‌های فیلم‌ها است! فیلم‌ها با به تصویر کشیدن زندگی افراد موفق و ویژه یک مری آموزشی را بازی کنند یعنی این فیلم با نشان دادن یک نمونه عینی از یک مشکل یا برای رسیدن به اهداف والای شان در واقع یک الگوی خوب را به مخاطب معرفی می‌کنند الگویی که معمولاً در قالب قهرمان فیلم است و ویژگی‌های یک انسان کامل را در ذهن می‌شکل می‌دهد الگویی که بعدها در زندگی واقعی، خودمان را با او مقایسه می‌کنیم و تلاش می‌کنیم مثل او باشیم!

شناخت خود: خودآگاهی یا همان شناخت خود از آن چیزهایی است که روانشناسان معتقدند با دیدن بسیاری از فیلم‌ها برای خیلی از آدم‌ها اتفاق می‌افتد. آدم‌های معتاد، بد اخلاق و یا شخصیت‌های منفی با دیدن فیلم‌هایی که زندگی و ابعاد شخصیتی آن‌ها را باز می‌کند و یا آثار رفتار و کردار آن‌ها را در زندگی به تصویر

درباره اثرات روانی مثبت تماشای فیلم (۲)

فیلم هم خوبش، خوب است!

[وجیهه محمدپور مقدم]

حالا چرا ناراحت می‌شوید ما که نکفیم همه شما فیلم بین‌ها معتاد هستید و وضع تان و خیم است، یا همه فیلم‌های دنیا بد است و وضع شان خراب است!! شماره گذشته تنها واقعیت آدم‌هایی بود که فیلم زندگی‌شان را تسخیر کرده تا حدی که جایی برای خود زندگی نمانده! برای این که عدالت را رعایت کنیم و دل همه کسانی که فیلم دوست هستند و فیلم‌های خوب می‌بینند را شاد کنیم این شماره رفته‌ایم سراغ اثراتی که دیدن فیلم‌های خوب را ارزشمند می‌کندا



آن روی سکه

خدایی اگر نخواهیم یک طرفه به قاضی برویم توی این همه فیلم که هر روز و یا شاید هم هر ساعت در این کره خاکی تولید می‌شوند هستند فیلم‌هایی که خوب ساخته می‌شوند و چیزهای خوبی را هم منتقل می‌کنند و حتی اثرات مثبتی را هم بر روی مخاطب دارند اگر شما یک فیلم خوب بینید اثراتی دارد که ۱۰۰ تا نسخه هم نمی‌تواند به آن اندازه تاثیرگذار باشد:

الگوده‌ی: شاید مهم‌ترین تاثیر مثبت فیلم‌های خوب (خودتان بهتر می‌دانید چه فیلم‌هایی البته شناخت خوبی‌ها هم بر روی مخاطب تاثیرگذاری از فیلم است که این هم به خاطر همان ممزد پناری شدید ما با شخصیت‌های فیلم‌ها است! فیلم‌ها با به تصویر کشیدن زندگی افراد موفق و ویژه یک مری آموزشی را بازی کنند یعنی این فیلم با نشان دادن یک نمونه عینی از یک مشکل یا برای رسیدن به اهداف والای شان در واقع یک الگوی خوب را به مخاطب معرفی می‌کنند الگویی که معمولاً در قالب قهرمان فیلم است و ویژگی‌های یک انسان کامل را در ذهن می‌شکل می‌دهد الگویی که بعدها در زندگی واقعی، خودمان را با او مقایسه می‌کنیم و تلاش می‌کنیم مثل او باشیم!

شناخت خود: خودآگاهی یا همان شناخت خود از آن چیزهایی است که روانشناسان معتقدند با دیدن بسیاری از فیلم‌ها برای خیلی از آدم‌ها اتفاق می‌افتد. آدم‌های معتاد، بد اخلاق و یا شخصیت‌های منفی با دیدن فیلم‌هایی که زندگی و ابعاد شخصیتی آن‌ها را باز می‌کند و یا آثار رفتار و کردار آن‌ها را در زندگی به تصویر

خواندنگان و بجهه‌های جیم با کمک هم به کمک نیازمندان خواهد رفت عطیر مهربانی در کوچه‌های شهر

جیم

بزرگی می‌گفت: شناخت علی (ع) اندیشه است و خوب علی احسان، اما شیعه علی عمل است.

شیعه علی بودن یعنی چون او اندیشیدن و چون او عمل کردن.... و امروز فرزندان آن حضرت در غربت هزار و چهارصد ساله بی پدری شان در انتظار علی وار بودن ما هستند، شاید بتوان سهی از شیعه علی بودن داشت.

بجهه‌های جیم یا علی گفتند و می‌خواهند با کمک شبابی که رفیق ما هستید عطیر مهربانی را در کوچه

پس کوچه‌های شهر تقسیم کنند، پس با یک یا علی همراه ما باشید.

هر نوع کمک مادی و معنوی شما می‌تواند به حرکت ما کمک کند، پس تکران کمیت و کیفیت باشید.

پس از جمع آوری کمک‌های نقدی با اقلام اهدایی شما و سازمان دهی لازم، کمک‌ها بین نیازمندان

توزیع خواهد شد.

حتی‌امکان سعی می‌کنیم پس از انجام امور گزارشی بدست افرادی که در این اقدام خیر سهیم بودند پرسانیم.

نیت کمی، یا علی بگویید و همه روزه از ساعت ۱۰ تا ۱۵ (به جزء روزهای تعطیل) با ۸۴۰۴۵۰۶ تبعas

بگیرید تا از کم و کیف کار با خبر شوید.

سربی جدید [۲۹]

[محمد مهدی رجبی]

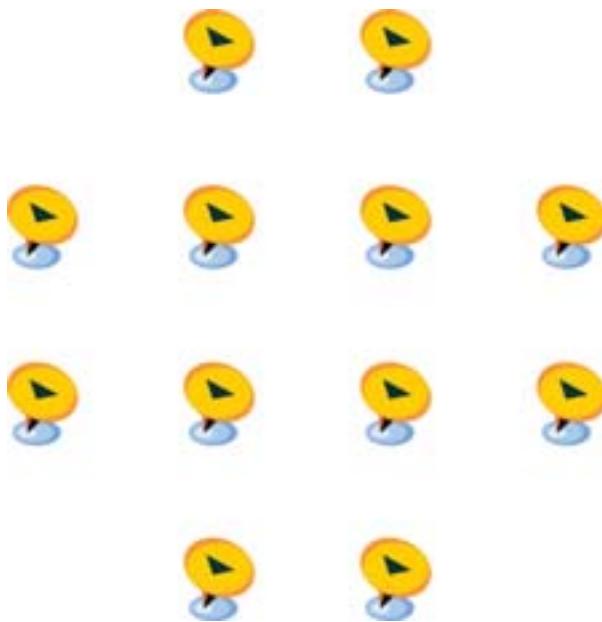
صندوق پستی: ۹۱۷۳۵ ۵۱۱ شماره تماس: ۰۰۰۹۹۹
شماره ارسال پایانی: ۷۶۱۷۰۰۰
email: jeem@khorasannews.com

۴۰

۵ خط متصل

چطور می‌توان پنج خط مستقیم را طوری رسم کرد که از روی تمام این شکل‌ها گذر کنند و هیچ شکلی خط نخورده باقی نماند؟ برای رسم این پنج خط مستقیم اجازه نداریم قلم را از روی کاغذ ببرداریم.

راهنمایی: محل تداخل خط‌های مستقیم، لازم نیست حتی روی یکی از شکل‌ها باشد.

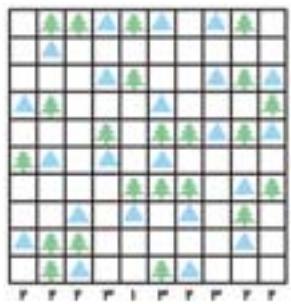


پاسخ معماهی سربی جدید (۲۵)

هفت مداد: هفت مداد را می‌توان به این ترتیب طوری قرار داد که هر مداد با شش مداد دیگر تماس داشته باشد.



پیک نیک: چادرهای مجاور هر درخت باید به این ترتیب نصب می‌شوند تا همه قوانین معما صحیح باشند.



شکل متفاوت: ذوزنقه را باید در بین این شکل‌ها حذف نمود. زیرا با وجود قطرهای رسم شده در ذوزنقه، این شکل تنها شکلی است که به چهار قطعه تقسیم شده است ولی هر چهار قطعه‌اش بر می‌قابل انطباق نیستند.

همان‌طور که می‌بینید، برای هریک از سرگرمی‌های این صفحه، امتیازی در نظر گرفته شده است. دو نفر برنده ما در هر هفته، به قید قرعه از بین کسانی انتخاب خواهند شد که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشند. اما اگر نتوانستید با حل کردن تعداد زیادی از سرگرمی‌ها در این رقابت تکانشگ شرکت کنید، نا امید نشوید و با حداقل امتیاز هم پاسخ‌تان را ارسال کنید. چون در آخر هر ماه به یک نفر از مخاطبانی که در ماه گذشته نامشان اعلام نشده است، جوازی نفسی تقدیم خواهد شد...

اما برنده‌گان: «مهلا خیر ما» از مشهد و «فربی اسماعیلزاده» از مشهد

لطفاً جهت دریافت هدیه خود را با ما تماس بگیرید.

شما اگر طراح صفحه سرگرمی بودید، **چه معماهی** برای این کادر انتخاب می‌کردید؟!

همان معما را برای ما ارسال کنید تا در اولین فرست به نام خودتان درج شود.

سرگرمی ارسالی شما می‌تواند: سخت یا آسان، علمی یا غیرعلمی، سرکاری یا جدی، تکراری یا جدید و خلاصه در هر قالبی باشد، اما باید:

۱| در فضایی که برایش در نظر گرفته شده بگنجد.

۲| به همراه پاسخ و توضیح مناسب ارسال شود.

۳| جدول کلمات متقاطع بنداش!

۴| رضایت ما را در رقابت با رقیبان جلب کند.

[بحبیبد! منتظریم!]

معماهی خوانندگان | محمد قندھاری از نیشابور

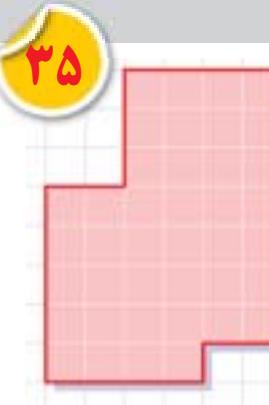
کدام جزیره ایران است که وارونه‌اش را دانش‌آموزان می‌نویستند؟

۲ قسمت مساوی

به نظر شما چطور می‌توان این شکل را با قیچی به دو قسمت مساوی و قابل انطباق تقسیم کرد؟

سعی کنید خط برش را روی این شکل رسم کنید. برای راهنمایی بیشتر، یک صفحه شطرنجی در زمینه شکل رسم شده است. خط برش باید دقیقاً از روی این خطوط شطرنجی رسم شود.

راهنمایی: یکی از تکه‌ها باید به شکل پشت و رو، بر روی دیگری قرار گیرد تا دو تکه قابل انطباق باشند.



تعدادی گوله به ۱۰ اندازه مختلف داریم که در یک کاسه ریخته شده. اندازه توب‌های بسیار نزدیک به هم است و مرتب کردن آن‌ها بر حسب اندازه با چشم کار غیر ممکن است. غربال‌هایی به ۱۰ اندازه مختلف هم داریم که اندازه سوراخشان روی هریک نوشته شده و سوراخ‌های هریک از آن‌ها به اندازه یکی از این ۱۰ توب است. به نظر شما گلوله ششم را با چند بار استفاده از این غربال‌ها می‌توانیم پیدا کنیم؟ چطور؟

راهنمایی: استفاده از دو غربال برای تعیین گلوله ششم کافی است.

کامتدونی

[سازمان اسناد سعادتی]

پاسخی به سوال مهم شما!

این چند وقتی که در خدمتتان نبودم کلی پیامک می‌زدید که بابا ما کلی سوال داریم در مورد جیم، پس این کامتدونی کو؟ اما حالا هستیم...

به هر حال قادر گل را غنیمت شمارید که عمر کوتاهی دارد ها!

- * جیمی در دریای عشق شنا می‌کرد ناگهان غورباقه‌ای دیدم فرار کرد.
- * متناسفانه عشق‌های امروزی همین جوری یه، با یه غورباقه تموم می‌شه!
- * سوتی باحالی بود، قد صمد نیکخواه ۱۹۳ متر؟!
- * خب مترمرون خراب بودا خنده داره مگه؟!
- * جیمی نمی‌گم دوست دارمت فقط تنها مون نزار، بوس.
- * اتویوس یا مینی بوس؟!
- * جیمی جدی جدی کسی اونجا هست که حداقل ۲ سطر کتاب بخونه؟ اینا کتابه که معرفی می‌کنی؟
- * نه پس دفتره؟!
- * آقا این جیمی که می‌گین کیه؟
- * برو بابا اعصاب ندارم یه چیزی بہت می‌گم ها؟!

- * سوالات حیوانی نیز بسیار اطفا!
- * جیمی تو آتن گفته بودی داری برگه‌های نظرسنجی جشن رو بررسی می‌کنی و اسه اعلام پرطرفدار ترین بخشش، پس چی شد؟
- * سعادتی اول، مابقی همه آخر!
- * چرا CD های جشن رو به دکه‌ها نمی‌دی؟
- * انصافه من روزی ۳ بار برم پرسم؟
- * خلایش بی‌اصفایه، روزی به بار پرسی کافیه!
- * با نهایت تأسف سعید برند نویسنده خوب جیم، شب گذشته بر اثر سانجه تصادف رانندگی در نزدیکی متر لشان سراسیمه از خواب پرید.
- * چقدر لویی! یک لحظه خوشحال شدم، فکر کردم طرف راستی راستی مرده!
- * مراقب بچه ها باشید تا گل ها رونچینند!
- * شهردار نیستم فقط نگران خودم هستم!
- * چه جالب نمی‌دونستم کل کاکتوس رو هم می‌چینم!
- * منه ستمه خالی شو پر کن بعد جواب بد!
- * پُرش کردم، خالی کردنش با خودت!
- * جوابتم گزینه الف عزیزم!
- * خانم سعادتی جون می‌تونم پرسم شما و بقیه اعضا چند سال تونه؟!
- * مرادپور می‌ره سوم، اسدی ۲ تا بچه داره، صابری می‌خواهد بخونه خودش، برند درسش توم شده، بنده هم فعلًا می‌خواه ادامه تحصیل بدم!
- * گور خر سفیده با خط‌های مشکی یا سیاهه با خط‌های سفید؟
- * اولاً قرار شد درباره جیم سوال پرسید، دوماً گورخر مشکیه با خط‌های سفیداً ولی سفیدش بیهوده بیاد یک دونه بخرا!
- * اگه یه فیل بره رو درخت چی می‌شه؟
- * می‌شه فیل رو درخت راز بقاست مگه؟!

شهد شهود در شعر

این کیست که با این همه غم می خندد
زخمی شده، باز دم به دم می خندد
در مرگ چه رازیست که این کنه درخت
با هر تبری که می زنم می خندد

رباعی بالا از «میلاد عرفانپور» شاعر جوان
شیرازی است که سابقه شاعری او به ایام
نویوانی اش بر می گردد. البته نام شیراز را
که می شویم ناخودآگاه ذهن مان شهری
شاعرپور را تداعی می کند. شهر شاعران
بزرگی چون حافظ و سعدی که هر کدام
میراثی جاودان، برای ادبیات ما محسوب
می شود. عرفانپور یک رباعی سرا است
که تا کنون سه دفتر از وی منتشر شده
است. اولین مجموعه او «از شرم برادرم» نام
داشت. سپس مجموعه «پاییز بهاریست که
عاشق شده است» منتشر شد و پس از چند
سال، مجموعه «پادشاه»، به تازگی انتشار
یافت. شاید از نگاه برخی رباعی - به جهت
کوتاه بودن - یک قالب شعری ساده باشد
اما اگر یکبار سعی کرده باشید یک پیامک
جذاب و تاثیرگذار از خودتان تولید کنید به
احتمال زیاد چنین گمانی نخواهید داشت.

شعر عرفانپور دارای چند ویژگی است که
به صورت مختصر به آنها اشاره می کنیم:
اولین ویژگی شعر عرفانپور که البته لازمه
همه شعرهایست «کشف» است. چیزی
من شهر به شهر از خودم دور شدم
متداول و حتی ادبی متمایز می کند، چیزی
به نام وزن و قافیه و عروض نیست. شاعر
در گام نخست به چشمانی کاشف نیازمند
کالای شکسته را خردباری نیست
این دل که خودت شکسته ای، مال خودت

ای در پر و بال ما، پر و بال خودت!
ما را نکشان چنین به دنبال خودت
رخدادی را سوا و جدای از روزمرگی ها
به تماشا بنشینید تا از دل آن واقعه، معنای
جدید، جدا کند. و در گام آخر،
شاعر نیازمند زبان و قلمی است که
این معنا را به زیباترین وجه ممکن
به مخاطب خود منتقل کند تا در
جان و روآن شنونده بنشینید.

ویژگی دوم شعر عرفانپور
غافلگیری است. چیزی که ما در
مینی مال نویسی، شاهدش هستیم.
به این رباعی توجه کنید:

غمگین نشد از این که به او تاخته‌اند
یا این که به جانش تبر انداخته‌اند
وقتی جگر انار خون شد، که شنید
از شاخه او چوب فلک ساخته‌اند

این چیزی است که به آثار بسیار
کوتاه ادبی جذابیت می‌بخشد.
شاید شما به دلیل کوتاه بودن شعر،

آتن

[اسرتسبد صبا]

۹۰ دقیقه جیم!

سلام، چشم بهم زدیم تمام شد! نهایتاً دو
سه روز دیگر! به همین راحتی! نه کسی از
گرسنگی مرد و نه کسی از تشنگی! امیدوارم
کسی جا نمانده باشد که باید یک سال دیگر
صبر کند! به هر حال پیشایش عید سعید فطر
را به همه شما دوستان جیم خوان تبریک
عارضیم!

و اما اخبار این هفته جیم:
** بابا ایول، دمتان گرم، خداییش که مشتبی
هستید! راستش فکر نمی کردیم این همه از
دعوت ما استقبال کنید، معلوم می شود دنبال
شده است. عادل جان کجا باید؟ بیا یک
مطوعاتی هم را بینداز!

* تصور کنید که ۹۰ مطوعاتی ساخته شده و

دارد اوضاع جیم را بررسی می کند:
ضمون هنوز هم برای کمک دیر نشده است.
* هر سال جشنواره‌ای تحت عنوان جشنواره
مطبوعات و خبرگزاری‌ها برگزار می شود،
مثل جشنواره فیلم یا موسیقی! امسال کلی از
بعجههای جیم در تمام بخش‌های این جشنواره
اگم از تبر، خبر، گزارش، مقاله، طنز، عکس
و صفحه‌آرایی شرکت کرده‌اند! آخ چقدر
کیف می دهد توی همه این بخش‌ها «بچه‌های
جیم» در بین سایر نشریات و خبرگزاری‌های
کشور، مقام اول را کسب کنند! چرا مسخره
می کنید؟! آزو پنه دانه بر اشتراحت خوابیده که
عیب نیست! ولی خداییش اگر هیچ مقامی
هم نیاوریم معلوم می شود کلی ناداوری
کند! بهانه بودید که دست کسی را بگیرید،
کمک‌های نقدي و غير نقدي شما که ماش...

هزار ماش... خیلی هم خوب و زیاد بود،

الله لکل تائب والرحمه لکل واقف.
بهشت متعلق به توبه کاران و رحمت متعلق به واقفان است.
حضرت رسول اکرم (ص)

پیامک

[لطفاً پیامک‌های خود را فارسی و به شماره ۲۰۰۹۹۹۹ ارسال کنید.]

- جیمی دمت گرم. خوش امد که به پیشنهاد توجه کردی و بخشن مشاوره‌چی نمی خوایند، اما امروز با صفحه فرزندان علی (ع) مغلوب شد، مانند شب‌های ججهه؟ خدا خبرتان دهد. ۰۹۱۵...۷۳۷
- دمت گرم جیم «فرزندان علی(ع) تها نمی مانند» جو مونگ رو تبریک می گم... هووووو!!! ۰۹۳۵...۶۹۹
- سلام آتای طلوع هاشمی. کجا بودید این همه وقت؟! دلم برای نوشته‌های تو شده بود. خوشحال از این که دوباره استمتونو تو جیم می بینم. ۰۹۳۵...۶۷۷
- سلام جیمی جونم. می خاستم بدونم تو مشهد جایی واقعاً سعید صبا با خانوم سعادتی فامیله؟! ۰۹۱۵...۴۹۸
- وای آقای صبا بادش بخیر، آتن جیم شماره ۶۸ (نفرات اعزامی) چقدر بازمه بود پس چرا الان بی نمک شدین؟! ۰۹۳۶...۳۱۷
- مرسمی جیمی جونم، خیلی ذوق کردم وقتی دیدم، سجاد طلوع دویاره تو جیم می نویسی، آخه نوشته‌هاشو خیلی دوست دارم. ۰۹۳۶...۶۲۳
- جیمی خیلی از دست عصبانی ام؛ به جای این که ستون مرادپور بدیخت رو حذف کنی یکی از اون تبلیغات مسخره رو حذف می کردم، این ستون مرادپور بدیخت رو از می نداختی. تو رو خدا اون ستون مرادپور رو برگردان. خواهش می کنم. ۰۹۳۶...۳۱۷
- سلام، واقعاً فقط یه چیزی تو هفتنه‌های تو خوبی، اونم (ذهن زیبا و جادوی کاغذی) واقعاً دست‌تون درد نکه. ۰۹۱۵...۰۱۰
- سلام، پس جیم در شهر کجا باید؟ از ورزش‌های ناشناخته هم بنویسید. ۰۹۱۵...۰۰۶
- جیم چیه هی فرت و فرت به جو مونگ گیر می دی؟ اگه ایران بتونه رستم و سه راب رو به این خوبی درست کنه من قول می دم هیچ کس به جو مونگ نگاه هم نکنه! ۰۹۳۶...۲۱۶
- جیم جان، این خانم محمدپور مثله این که تو عمرش فیلم ندیده، آخه جوری حرف می زنه انگار هر کی زیاد فیلم بینه یک مشکلی داره!! ۰۹۳۶...۲۴۱
- نویسنده کامنت دونی یکم از آتن نوشت رو یاد بگیر. نوشته‌های خیلی خنکه (همسر کو ندارد نشان از شوهر!) ۰۹۱۵...۴۶۰
- این هفته جارچی عالی بود دست مرادپور درد نکنه! ۰۹۳۵...۷۰۲
- سلام جیمی عزیز با خوندن مطلب خاطرات دانشجویی شب‌قدر کلی اشک ریختم، بچه‌ای که حسرت خوردن زوییا رو داشت اما من اینقدر خوردم که دلم رو زده خدایا ما آدمها به کجا قراره برسیم؟ ۰۹۳۶...۴۶۳
- مطلب خاطرات دانشجویی تون فوق العاده بود. کلی به دانشجوها مون افتخار کردم. بهشون بگید دشمنون گرم. علی بارشون. ۰۹۳۵...۵۸۶
- اگه می خوای ازت انتقاد نشه، نه کاری بکن، نه حرفی بزن، نه کسی باش. ۰۹۳۶...۸۱۶
- جیمی اگه طرف پسرا رو بگیری، دیگه دوست ندارم ۰۹۱۵...۴۶۶

دباله‌سازی و بازسازی در سینما

[دست‌چیز]

سال قبل شاهد فروش چشمگیر دباله ماجراهای بتمن به نام شوالیه تاریکی بودیم که هنوز چیزی نگذشته پس از تایتانیک به پرفوش ترین فیلم تاریخ سینما تبدیل شده است. با نگاهی کوتاه به پرفوش ترین فیلم‌های اخیر هالیوود می‌توان دریافت که قسمت عمدۀ ای از آنها را دباله‌ها تشکیل می‌دهند. فیلم‌هایی نظری شرک، مردان ایکس و... و باز تعداد بسیار بیشتری همه ساله در ردیف ساخت قرار می‌گیرند چنانکه هم اکنون سه گانه دوم مرد عنکبوتی، مگنتو که دباله‌ای بر مردان ایکس است، شهر گناه ۲ و ۳، شرک ۴ و بسیاری دیگر در مرحله تولید به سر می‌برند. این روزها هم که شاهد اکران نابودگرها، عصر یخبندان ۳، ایکس من ۴، آخرین فیلم سری جیمز‌باند و... در هالیوود هستیم. سؤال این جاست که دلیل گرایش رو زافرون کمپانی‌های هالیوودی به بازسازی و دباله‌سازی چیست و چرا در برخی کشورها این گرایش رو به افزایش است و در برخی کشورها دیگر نظری ایران دباله‌سازی اصولاً وجود خارجی ندارد؟ به این مطلب باید در قالب چند سؤال جداگانه پاسخ داد.

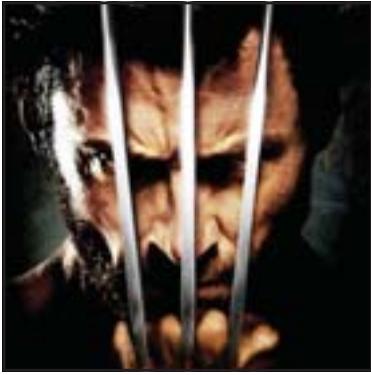


۱ اصول چه فیلم‌هایی دباله دار می‌شوند؟

* در جواب این سؤال باید گفت دباله‌سازی همواره در سینما از بد و پیدایش وجود داشته است اما روند آن وقتی رو به افزایش گذاشت که خورشید عصر طلایی هالیوود رو به افول نهاده بود. یعنی از اوایل دهه هشتاد میلادی که کمپانی‌های هالیوودی به کمبود ایده‌های ناب برای حجم فیلم‌سازی بالای خود پی بردن و چاره منحصر به فرد را در تکرار و استفاده مجدد از ایده‌های قبلی دیدند. طرز فکری که حاصل آن دباله‌های موفق پدرخوانده و ترمیناتور و نیز دباله‌های بی مایه پلیس آهنین را در پی داشت. حتی کمپانی دیزنی نیز از روی هر یک از انیمیشن‌های موفق خود نسخه دومی را تهیه کرد که هرچند هزینه تولید بسیار کم و کیفیت تصویری نازلی داشتند ولی به سبب محبویت برادران بزرگ‌تر خود سود سرشواری را به جیب دیزنی سازیز کردند.

۲ چه کشورهایی بیشتر به دباله و بازسازی گرایش دارند؟

* جواب این سؤال را با استفاده از پاسخ‌هایی که به دو پرسش قبل دادیم می‌توان به راحتی حدس زد. این روند در کشورهایی وجود دارد که ۱- حجم بالایی از فیلم در یک سال ارائه می‌دهند. ۲- توانایی ساخت فیلم در قالب‌های اکشن، وحشت و کمدی رومانتیک را دارا می‌باشند. ۳- بازار عرضه جهانی محصولات خود را پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت کشورهایی که دارای سینما به مفهوم صنعتی تجاری آن مستند بیشتر به این روند دست می‌یابند. سینمای کشورهایی را که می‌توان به این اعتبار صنعتی نامید عبارتند از هند، آمریکا، فرانسه، هنگ کنگ، کره جنوبی و چین. فروش خوب اخراجی‌ها ۲ نشانگر آن است که سینمای ما نیز پتانسیل لازم برای صنعتی شدن را داراست. ساخته شدن فیلم‌هایی نظری دولت و ملک سلیمان نیز گواه آن است که تهیه‌کنندگان ایرانی نیز به این پتانسیل اشراف نظر دارند. به امید آن‌که سینمای ما نیز در این عرصه‌ها بازار رقابت خود را پیدا کند همان‌طور که در زمینه فیلم‌های اجتماعی و هنری صاحب جایگاهی معتبر در عرصه جهانی هستیم.



* با اندک تأمل می‌توان دریافت که غالباً فیلم‌هایی بازسازی ژانر وحشت این بیشتر شخصیت‌ها یا ایده اصلی فیلم‌هایی است. موجات بازسازی آن را فراهم می‌آورند. از این کمدی رومانتیک‌ها چنانچه دباله می‌شوند که جای هر سه این ژانرهای دباله در سینمای ایران خالی است. ولی علت این امر را چه مسائلی تشكیل می‌دهند؟ در زمینه فیلم‌هایی بلاک باستر که قسمت اعظم آنها را در سال‌های اخیر فیلم‌هایی تشكیل می‌دهند که از روی کتاب‌های مصور ساخته می‌شوند (نظیر سه گانه مرد عنکبوتی و مردان ایکس) مهم‌ترین چالش برای ساخت، انتخاب بازیگری است که براتیزی می‌توان به سری فیلم‌های اروهه و مقصد نهایی و تپه‌ها چشم دارند و..... اشاره کرد که در فیلم‌های دباله‌ای آنها نباید به دباله چیز جدیدی گشته. به عنوان مثال در مقصد نهایی ۲، ۱ و ۳ فرمول کاملاً یکسانی جاری است و فقط مصادفهای آنها با یکدیگر متفاوت است. در اینجا بیشتر طراحی نوع مرگ‌هاست که بین فیلم‌ها تفاوت ایجاد می‌کند و ذکر این نکته نیز ضروری است که برخلاف فیلم‌های بلاک باستر در اینجا می‌بایست حتماً بازیگران نیز بحث تبلیغات مطرح است که می‌باید به درستی و گستردگی هر چه تمامتر انجام شود.

در فیلم‌هایی کمدی رومانتیک که کمتر امید به دباله سازی در آنها وجود دارد و معمولاً با وصال دو کاراکتر اصلی به پایان می‌رسند معمولاً سمباتی و شیمی دو بازیگر است که فیلم دوم آن مجموعه را سبب می‌شود. از این دسته نیز می‌توان به فیلم خاطرات بریجیت جونز ۱ و ۲ اشاره کرد. این فیلم‌ها معمولاً به فیلم سوم نمی‌رسند چراکه در فیلم اول در واقع ماجراهای عاشقانه آنها تمام شده است و در فیلم ۲ به مشکلات پس از ازدواج می‌پردازند که دیگر جذابیت عاشق شدن اویله را ندارد بنابراین تماشاگران دیگر به سراغ فیلم سوم این مجموعه نخواهند رفت.

به همین سبب است که معمولاً در فیلم‌های عاشقانه بیشتر شاهد بازسازی‌های متعدد هستیم نه دباله سازی. نظری کتاب غرور و تعصّب که بارها و بارها به اشکال مختلف و با بازیگران متفاوت به فیلم تبدیل شده است. طرفداران آن کتاب‌ها به هر حال به دیدن این فیلم‌ها خواهند رفت و لو فیلم خوبی از روی آن ساخته نشود. از جمله مسائلی که در فیلم‌های دوم و سوم و.... نیازی به صرف هزینه و وقت ندارند می‌توان به انتخاب بازیگران نقش‌های اصلی و بویژه هزینه‌های مربوط به طراحی لباس و مدل‌سازی‌های کامپیوتري اشاره کرد. همینطور متخصصین جلوه‌های ویژه چون قیلاً با این کاراکترها کار کرده‌اند و نیازی به آزمون و خطای مجدد ندارند این بار بسیار سریع تر می‌توانند صحنه‌های مربوط به ایشان را طراحی کنند.

نیاز به تذکر نیست که فیلم‌های انیمیشن دباله‌ای نیز در زمرة همین فیلم‌ها جای می‌گیرند. وقتی کاراکتر اصلی فیلم محبوب شود خود به خود زمینه دباله‌سازی فراهم می‌شود و در دباله‌ها مهم‌ترین چیز فیلم‌نامه خوب است چراکه سایر عوامل معمولاً تغییر نمی‌کنند.

اندر باب سینماهای شهرمون!

خوبشخانه برای گرفتن بلیط اصلاً معطل نشدم!

شایعاتی راجع به وضعیت سالنهای سینما مطرح بود. بنابراین...



و به همین دلیل در هر مکان مسکن، یک سالن مجرا دایر بود!



همین طور هم گلبت صدا و تصویراً



اما بعد از انفاسی که بعد از آن اتفاده،
بالاخره یک کعبه برای این سالن پیدا کرد!



پس از فروش پس گرفته می شود

با تضمین کیفیت و قیمت

با قیمت استثنایی و بی نظری

آرین

ونک

افتتاح شد

VECTORY JEANS

شعبه مشهد

تولیدی پوشک آرین ونک صاحب امتیاز و تولید کننده VECTORY JEANS

آدرس: جاده شاندیز، کیلومتر ۸، پوشک آرین ونک تلفن: ۰۵۱۲۴۳۷۲۴۴۵

وقتی کسی نیست!

در خبرها خواندیم مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفته است: «در حال حاضر طرح‌های زیادی در دست بهره برداری داریم ولی کسی نیست که آن‌ها را افتتاح کند!» او حتی ۵ طرح آماده راه نام برده است، مثل: مтанول دوم زاگرس اتیل بنزن تصفیه پساب و زیله سوز پتروشیمی مبین و بخشی از اسلکه بندر پتروشیمی پارس! این مشکل بزرگ مملکت بلافضله در شورای «زود باشین یه کاری بکنیم» جیم، مطروح جده شدا همانطور که می‌دانید مشورت گرفتن کار بسیار خوبی است، خصوصاً برای رفع مشکلات کشوری و جهانی! ما در این شورا همه جور آدمیزاد داریم، نمونه‌اش همین «فسقلی» که ۱۰ سال بیشتر ندارد ولی به اندازه ۱۰ تا یک ساله و ۴ تا گوساله می‌فهمد! به پیشنهاد او تصمیم گرفتیم برای حل کردن مشکل عدم افتتاح کن (مفتوح)، فوراً یک آموزشگاه تاسیس کنیم و طی دوره‌های فشرده آموزشی ۳ ماهه مقداری آقا و خانم مفتوح تحويل جامعه دهیم! آن هم با مدرک معتر و تضمین اشتغال! به هر حال کار ما فرهنگ است و به شدت نگرانیم! هر چند می‌دانیم که اینقدر شغل توی جامعه ریخته که کسی وقت از ازد ندارد در آموزشگاه ما ثبت نام کند!! ولی چاره جیست، مجبوریم برای غریبان شما عزیزان کنکور برگزار کنیم، خلاصه آموزشگاه «تربیت مفتوح جیم» از بین جوانان متعدد و واجد الشرایط اقدام به برگزاری آزمون سراسری می‌نماید: * شرایط عمومی: دارا بودن مدرک تحصیلی پنجم ابتدایی برای آقایان و مدرک فوق لیسانس برای خانم‌ها. (منظور مان این نیست که ضریب هوشی یک مرد پنجم ابتدایی برابر یک خانم فوق لیسانس است، نه خیر مرد فوق لیسانس دار گیریمان نیامد!)، داشتن کارت پایان خدمت سربازی (۲ عدد)، داشتن حداقل ۱۵ سال برای آقایان و ۸۵ سال برای خانم‌ها (آقای پیر هم گیریمان نیامد!)، خانواده دبیر جیم در اولویت می‌باشدند. * شرایط اختصاصی: تشخیص دادن هر از بر، تسلط کامل در کار کردن با انواع قیچی، توانایی کشیدن نخ پرده یاد بود، توانایی زدن لیخند ملیح. * مدارک: فنوتکپی و متونکپی به اندازه زیاد از تمام جد و آباد خود و همسایه‌های اطراف، اصل فیش بانکی به مبلغ ۶۹۸۵۱۲۵۳۶۹ تومان به حساب جیم (قابل واریز در صندوق ذخیره ارزی جیم). * تاریخ دریافت کارت، تاریخ برگزاری آزمون و تاریخ اعلام نتایج: صحیح جمعه. * شایان ذکر است پس از اتمام دوره، به داوطلبان گرامی گواهینامه مفتوحی اعطای می‌گردد! * برای اطلاعات بیشتر به سایت مراجعت نمایید!

Combined by

NOKTIZblogfa.com

THANKS OF

TEBYAN FORUMS

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=17239>

1388
2009

